

بررسی مسائل و مشکلات خوابگاه‌های دانشجویان دختر

دانشگاه‌های دولتی در شهر تهران

علی اصغر سعیدی¹ خالد اسماعیل زاده²

چکیده

در حال حاضر دانشجویان شهرستانی بیش از (60٪) کل دانشجویان کشور را تشکیل می‌دهند و به این تعداد نیز مرتباً افزوده می‌شود از این جهت رسیدگی به وضع این قشر از دانشجویان بسیار حایز اهمیت است.

هدف پژوهش مزبور نیز کمک به شناسایی و رفع کمبودهای رفاهی موجود در خوابگاه‌ها برای دانشجویان و ارائه اطلاعاتی در این باره به مسئولین ذیربط است که این امر دانشجویان را از لحاظ فکری و روحی رشد داده، آنان را برای حضور در جامعه بزرگتر و قبول مسئولیت آماده‌تر می‌کند. اساس متدولوژی پژوهش حاضر بر مبنای روش پیمایشی است، اما از آنجا که بررسی مشکلات خوابگاه‌های دختران نیاز به روش مکمل دارد، از روش کیفی نیز در کنار روش کمی استفاده می‌شود. جامعه آماری مورد مطالعه شامل تمامی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه‌های دانشگاه‌های دولتی در سطح شهر تهران است که کلاً 16000 نفر هستند. حجم نمونه آماری نیز که شامل 313 نفر است، که به طریقه نسبت تعداد دانشجویان دختر خوابگاه هر دانشگاه به کل ساکنین خوابگاه در تهران محاسبه و در نهایت به شیوه تصادفی انتخاب گردیدند.

نتایج پژوهش، حاکی از آن است که:

- 1- میان مشکلات عاطفی، روحی، بهداشتی و مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها ارتباط وجود دارد.
- 2- میان کیفیت دسترسی به خدمات، کیفیت محیط خوابگاه‌ها و مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها ارتباط وجود دارد.
- 3- میان عملکرد سرپرست و برخورد مسئولین با مشکلات زندگی در خوابگاه‌ها ارتباط است.

1- استاد یار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران saeidi@ut.ac.ir

2- عضو بنیاد ملی نخبگان کشور، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی سردشت و کارشناس ارشد برنامه ریزی رفاه اجتماعی

دانشگاه تهران kesmaeilzadeh@gmail.com 09141684127

- 4- میان مسائل اجتماعی و امنیتی خوابگاه و و سکونت در خوابگاه رابطه وجود دارد.
- 5- میان رابطه با هم‌اتاقی و رضایت از سکونت خوابگاه‌ها با مشکلات زندگی در خوابگاهها ارتباط وجود دارد.
- 6- میان بهزیستی روانی دانشجویان و سکونت در خوابگاه رابطه وجود دارد.
- 7- میان عدم مشارکت دادن دانشجویان در برنامه‌ریزی و سازماندهی و مشکلات خوابگاهها رابطه وجود دارد.
- 8- میان سیاست و مقررات خوابگاهی و با مشکلات زندگی در خوابگاهها ارتباط وجود دارد.
- 9- از جمله دغدغه‌های فکری دانشجویان غیربومی، خوابگاه و مشکل تهیه آن است.

کلمات کلیدی: خوابگاه دختران، مسائل و مشکلات، کیفیت زندگی، مشکلات رفاهی

مقدمه

در میان نیازهای دانشجویان، جان پناه از بنیادی‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود، اما اهمیت مسکن به طور عام و خوابگاه دانشجویی به طور خاص، به این خاطر نیز هست که وجودش می‌تواند احساسی از امنیت به خاطر اقامت گزیدن در "خوابگاه" ایجاد کند. خوابگاه‌ها به طور رضایت برانگیز به پیشرفت تحصیل و استقرار زندگی دانشجویی دانشجویان کمک می‌کنند. اما اگر چنین سرپناهی تا حد امکان نتواند چنین آمیزشی را ایجاد کند، نخواهد توانست مسئولیت پذیری در کسب دانش و موفقیت را به تجربه آنان بیفزاید. باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری در تأسیسات خوابگاهی که بخش مهمی از سرمایه‌گذاری اقتصادی در آموزش عالی است نشانگر اهمیت پایگاه و موقعیت دانشجویان است. این چنین سرمایه گذاری نه تنها نفع طلبانه نیست بلکه نوعی سرمایه‌گذاری با بازده اجتماعی بالا محسوب می‌شود. با در نظر گرفتن اهمیت عمیق خوابگاه در روان دانشجویان، دیگر تعجب برانگیز نخواهد بود که ببینیم سیاست خوابگاهی¹ آموزش عالی موضوعی برای بررسی، نقد و تفسیر می‌باشد. اگرچه در بررسی مشکلات فرهنگی و رفاهی دانشجویان در خوابگاه‌ها مسائل بسیاری را باید در نظر گرفت.

خوابگاه‌های دانشجویان علیرغم اهمیت بالایی که در نظام آموزش عالی به خود اختصاص داده است، همچنین به عنوان یکی از نمونه‌های حوزه رفاه و نیازهای دانشجویان نیز تلقی

1. Dormitory policy or Hall of residence policy

می‌گردد که وزارتخانه‌های مربوطه معمولاً با آن به صورت احتیاط آمیزی رفتار می‌کنند. این ایده که دولت باید به طور مستقیم و گسترده در ساختن خوابگاه‌ها، واگذار کردن و مدیریت، و نظارت بر آن به شیوه‌های گوناگون شرکت داشته باشد، بویژه با گسترش نقش دولت در جامعه و اقتصاد در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع به ویژه بر این پیش فرض استوار بود که دولت نقشی رو به رشد در تدارک و مدیریت خوابگاه‌های دانشجویی خواهد داشت، به طوری که تعهد دولت در بخش رفاه دانشجویان بر این امر خواهد بود که هر دانشجویی که خارج از محل سکونت خانوادگی‌اش تحصیل می‌کند از حق داشتن سر پناهی با کیفیت زندگی مطلوب برخوردار شود.

در این مقاله سعی خواهیم کرد ضمن مرور ادبیات مربوط به کیفیت زندگی و رفاه، بطور جامع به نحوی که تمامی مسائل اجتماعی و فرهنگی در زندگی دانشجویی را در بر گیرد، زمینه را برای بررسی انواعی از آرمان‌ها و ایده‌های دانشجویان درباره سکونت خوابگاهی، به صورتی واضح و روشن و نیز همراه با شیوه‌های ممکن ارزیابی مجدد فراهم کنیم. در برخی موارد، ایده زندگی خوابگاهی ممکن است، با چشم اندازه‌های گسترده‌تری در ارتباط قرار گیرد، که شامل ایده‌هایی در نزد دانشجویان درباره اجتماعات و نیز محیط زیست ایده آل باشد. اگرچه در اینجا مجالی برای پرداختن به جزئیات این ایده‌های گسترده وجود ندارد، اما توجه به سکونت خوابگاهی در چنین زمینه‌ای بسیار مهم است.

بیان مسأله

رفاه هر جامعه نشانگر توجه به شأن و انسانیت افراد و همبستگی اجتماعی آن جامعه است و دولت‌ها و افراد جامعه متعهد هستند تا با بهترین شکل ممکن از آن حفاظت کنند. بقول رابرت اچ بیتس (1380) دولت عموماً به منزله نمایندگی در نظر گرفته می‌شود که وظیفه‌اش افزایش رفاه عامه است. سیاست عمومی از گزینه‌هایی است که دولت‌ها برای ایجاد بهترین نفع جمعی برعهده می‌گیرند. توجه به رفاه به مثابه یک سیاست اجتماعی است که مسأله را جامع می‌نگرد و بویژه شرایط آسیبی و حل مشکلات جامعه را نیز هدفگیری می‌کند. شرایطی که به روشنی دانشجویان، بعنوان بخش عمده قشر جوان جامعه، بیشتر در معرض درگیر شدن با آن قرار دارند. بویژه دانشجویان دختر دانشجویان حداقل از دو طریق متأثر از سیاست‌های رفاهی هستند: نخست، از طریق برنامه‌های عام و ملی؛ دوم، از طریق برنامه‌های خاص که از طریق دانشگاه‌ها و در چهارچوب سیاست‌های وزارت علوم (معاونت دانشجویی) ارائه می‌شود.

یکی از مهمترین مسائل رفاهی دانشجویان مسائل خوابگاه‌های آنان است. جوانان بویژه دختران دانشجو از خانه و از کنار خانواده با تمام روابط عاطفی و معنوی در حساس‌ترین سال‌های زندگی جدا می‌شوند تا برای ادامه تحصیل به دانشگاه بپیوندند. آمارها نشان می‌دهد که این مسأله به دو جهت برای دانشجویان دختر اهمیت بیشتری دارد. نخست از این جهت که نقش جنسیتی آن‌ها در خانواده به نسبت پسران حاکی از اهمیت بیشتر و تجربه کمتر جدا شدن از خانواده دارند. دختران و خانواده شان که عناصر مقوم خانواده محسوب می‌شوند هر دو نگران ایامی هستند که در خوابگاه بسر می‌برند. دوم اینکه، به سبب افزایش میزان دانشجویان دختر از سال 1378 تاکنون و ادامه این روند مسأله خوابگاه‌های دختران هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی مورد توجه خاص قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد که سیاست رفاهی در خوابگاه‌های دانشجویان دختر موقعی موثر است که پاسخگوی نیازها و انتظارات واقعی آن‌ها و خانواده‌هایشان باشد. این امر تا حد زیادی به میزان انطباق برنامه‌های رفاه خوابگاه‌ها با نیازهای دانشجویان دختر ارتباط پیدا می‌کند. همین‌طور سیاست رفاه خوابگاه‌ها موقعی عادلانه است که کاهش سطح مشکلات آن‌ها را به مثابه مسأله‌ای اخلاقی بررسی کند تا افراد از قرار گرفتن در شرایط نامناسب زندگی دور از خانواده که برای نخستین بار صورت می‌گیرد دور شوند و برای آن باید راه‌های موثر و کارآ یافت شود تا شرایط نا مطلوب زدوده شود.

در خصوص سیاست‌های رفاه دانشجویان و برنامه‌های رفاه در آموزش عالی در ادبیات مربوطه، دو رویکرد عمده وجود دارد: الف- رویکرد از بالا به پایین و تکنوکراتیک که بر دیدگاه اهل فن و متخصصان امر در تعریف، طراحی برنامه‌ها و تشخیص نیازها تاکید می‌کند؛ ب- رویکرد پایین به بالا که بر دیدگاه دانشگاه دانشجویان و بویژه جمعیت مورد هدف در تعریف برنامه‌ها و سیاست‌ها اهمیت می‌دهد. با توجه به تجربه نه چندان موفق برنامه‌های رفاهی مبتنی بر رویکرد نخست، گرایش غالب در ادبیات سیاست اجتماعی در سال‌های اخیر محور قرار دادن دیدگاه و نظرات بهره‌مندان برنامه‌ها می‌باشد. حتی در بیشتر موارد سیاست‌گذاران مبتنی بر رویکرد نخست ناچارند برای توفیق برنامه‌هایشان از دیدگاه افراد مورد هدف بهره بگیرند. این موضوع به خاطر این است که نیازها، فهم و طرز تلقی افراد از مشکلات (متخصصان، سیاستگذاران، شهروندان، در اینجا دانشجویان) در خصوص مقولات مختلف لزوماً یکسان نیست. یکی از این مقولات مربوط به دانشجویان، رفاه خوابگاه‌های آنان است. لذا یکی از مسائل مهمی که سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور با آن روبرو هستند

این است که دانشجویان چه نیازهایی دارند و چه تلقی از رفاه خوابگاهی دارند. تا چنین مسأله‌ای روشن نباشد سیاستگذاران تنها می‌توانند بر اساس کدهای رسمی برخی نیازهای محسوس را بررسی کنند و مسأله رفاه دانشجویان تنها به صورت فیزیکی و تنها از یک بعد مفهومی یعنی رفع نیازهای اساسی شناسایی می‌شود. آن هم بر اساس آنچه که سیاست‌گذاران در سبد رفاه دانشجویان نیاز و مشکل تلقی می‌کند. البته این مسأله مهم است و برخی مواقع اطلاعات اولیه ما حاکی از آن است که همین نیازها پوشش داده نشده‌اند اما علت عدم پوشش این نیازها در برخی موارد غیر واقعی بودن آن‌ها هم است. نیازهای فیزیکی رفاه خوابگاهی با نیازهای معنوی بهم گره خورده‌اند. همچنان که در رفاه یک خانواده نمی‌توان تنها به سرپناه فیزیکی یک خانه بلکه امنیت روحی و معنوی آن باید توجه کرد. نتیجه عدم بررسی اساسی نیازها ایجاد شکاف بین سیاستگذاران و بهره‌مندان از برنامه‌های رفاه دانشجویان بطور اعم و سیاست‌های خوابگاهی بطور اخص است. برغم اینکه ممکن است برنامه‌های مهمی از سوی دستگاه‌های ذیربط (در خصوص موضوع مورد مطالعه یعنی برنامه مشکلات رفاهی خوابگاه‌های دختران دانشجوی وزارت علوم) به اجرا درآمده باشد اما این برنامه‌ها از پیش به دلیل رهیافت از بالا به پایین محکوم به شکست بوده است. در چنین حالتی حتی نمی‌توان رفاه گروه‌های مختلف دانشجویان را مورد الویت بندی قرار داد. همین‌طور نمی‌توان نظامی رفاه خوابگاهی دانشجویان دختر را تأسیس کرد که جامعیت داشته باشد. در خصوص نظام رفاهی دانشجویان دو دسته بیش از همه تعیین کننده بنظر می‌رسند که می‌بایستی در ارتباط با پژوهش حاضر مورد توجه قرار گیرند: الف- وزارت علوم (سیاست‌های رفاهی خوابگاه‌های دختران و سایر سیاست‌های مرتبط رفاهی)؛ ب- دانشجویان (نیازهای آنان و فهم آنان از رفاه خوابگاهی). در خصوص این دو دسته موضوع مهمی که نیاز به توجه دارد مسأله انطباق آن‌ها با یکدیگر است.

با توجه به مباحث فوق، این سئوالات می‌توانند مطرح شوند: وزارت علوم چه سیاست‌های رفاهی را برای خوابگاه‌های دانشجویان دختر دنبال می‌کند؟ ماهیت این سیاست‌ها چیست؟ این سیاست‌ها تا چه حدی نیازهای رفاهی دانشجویان دختر را برآورده می‌سازد؟

ضرورت و اهمیت مسأله تحقیق

نخستین اهمیت به جمعیت مورد مطالعه یعنی دانشجویان دختر و وضعیت رفاه خوابگاه‌های آنان مربوط می‌شود. دانشجویان دختر از چند جنبه اهمیت دارند. اولاً: جمعیت رو به رشدی در کشور را تشکیل می‌دهند که با توجه به ماهیت سیاست پذیرش دانشجو، غالباً اکثریت

گروه‌ها و قشرهای اجتماعی در شهرستان‌ها را در برمی‌گیرند. ثانیاً، با توجه به سن و مشغله‌شان، حساسیت زیادتری نسبت به برنامه‌ها و سیاست‌ها از جمله برنامه‌ها و مقولات رفاهی خود نشان می‌دهند. از آنجاکه بخشی از رفتار دانشجویان در امور مختلف از جمله رفتارهای آنومیک و همچنین کنش‌های اعتراضی، که در موارد قابل ملاحظه‌ای منجر به اعتراضات گسترده سیاسی و اجتماعی می‌شود، به برخورداری آنان از تسهیلات رفاهی و کیفیت آن‌ها و همچنین وضعیت رفاهی دانشجویان و به تبع آن‌ها به طرز تلقی آنان نسبت به رفاه خود و جامعه مرتبط است که بنظر می‌رسد بررسی آن‌ها اهمیت دو چندان دارد. ثالثاً، دانشجویان قشر ممتازی را تشکیل می‌دهند که اکثر نخبگان از میان آنان برمی‌خیزند و نظام آموزش عالی دستگامی است که این نیروهای انسانی باید در آن تربیت شوند تا نقشی سازنده در جامعه ایفا کنند. یکی از عوامل توفیق در این امر آنست که حداقلی از سطح رفاه برای دانشجویان فراهم شده باشد و برنامه‌های رفاهی، معطوف به بالابردن واقعی سطح رفاه و با برداشت دانشجویان از وضعیت رفاهی موجود و مطلوب آن‌ها باشد. بنابراین هر گونه تحقیق در این امور شناختی واقع‌بینانه از وضعیت رفاهی و مسایل و مشکلات دانشجویان دختر بدست خواهد داد. از این جهت آگاهی و تهیه راه‌حل‌های برای حل مشکلات آنان باعث خواهد شد که دست‌اندرکاران رفاه خوابگاه‌ها با شناخت بهتری نسبت به برنامه‌ریزی رفاه آنان اقدام نمایند.

دومین اهمیت موضوع مورد مطالعه به پیامدهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای دانشجویان مربوط می‌شود. دستگاه‌ها (از جمله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان مدیریت) برای طراحی سیاست‌های رفاه خوابگاه‌های دانشجویی معمولاً مفاهیم مختلفی یا خاصی را که به عنوان نموده‌های رفاهی به حساب می‌آیند مورد بررسی قرار می‌دهند. سیاست‌گذاری جامع در رفاه خوابگاه‌ها، بستگی به ارزشیابی دقیق از وضع آن‌ها دارد. ارزشیابی طرح‌های رفاهی خوابگاه‌های دانشجویان دختر و بحث و بررسی پیرامون آن‌ها در میان دانشجویان و از نظر آن‌ها ما را قادر می‌کند تا محسوسات اولیه خود را در باره رفاه دانشجویان تعالی ببخشیم و به یک برنامه جامع در مورد این قشر نزدیک شویم. برای این کار ما باید بتوانیم به دو سوال اساسی پاسخ دهیم: برای اداره رفاه خوابگاه‌های دانشجویان دختر به چه خدمات رفاهی احتیاج داریم، و این خدمات چگونه عمل می‌کنند؟

سومین اهمیت تحقیق را شاید خلاء تحقیق در موضوع پیشنهادی ذکر کرد. علی‌رغم بحث‌های زیاد در مورد اهمیت رفاه و لزوم ایجاد جامعه برابرگونه کمتر کار تحقیقی

جدی در این مورد بعمل آمده است. از این جهت، این تحقیق سعی می کند بعنوان کاری مقدماتی برخی از خلاهای موجود را در ادبیات سیاست اجتماعی برطرف کند.

روش تحقیق

برای شناسایی مشکلات خوابگاه‌های دختران، از دو روش مجزا (کمی و کیفی) استفاده شده است. از آنجا که برای انجام مطالعات جامعه شناسی، روان شناختی و مدیریتی امروزه روش‌های متفاوتی ابداع و بوجود آمده است و به اقتضای موضوع و ماهیت تحقیق از شیوه‌های مناسب استفاده می‌شود، درانجام این تحقیق نیز مناسب‌ترین شیوه و همچنین پر دامنه‌ترین و استانداردترین شیوه‌های متداول استفاده شده است. بر همین اساس متدولوژی پژوهش حاضر بر مبنای روش پیمایشی است، اما از آنجا که بررسی مشکلات خوابگاه‌های دختران نیاز به روش مکمل دارد، از روش کیفی (Focus group) نیز در کنار روش کمی استفاده شده است.

جامعه آماری مورد بررسی این پژوهش کلیه دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی در سطح شهر تهران می‌باشد که طبق آمار مورد بررسی تقریباً 16000 نفراند. بر این اساس حجم نمونه برای کل جمعیت دختران ساکن در خوابگاه‌های شهرستان تهران بر اساس فرمول کوکران 313 نفر محاسبه شده است. بدین صورت که نسبت تعداد دانشجویان دختر خوابگاه هر دانشگاه را به کل ساکنین خوابگاه در تهران محاسبه کردیم. بدین اساس تعداد 8 دانشگاه شامل دانشگاه‌های الزهراء، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه علامه، دانشگاه خواجه نصیر، تربیت معلم و دانشگاه هنر تهران جامعه آماری ما بودند که از هر کدام از دانشگاه‌ها با توجه به نسبت آن به کل، نمونه انتخاب کردیم.

سیاست‌های مسکن دانشجویی: تعاریف و اهداف

سیاست‌های مسکن دانشجویی در ارتباط با گستره وسیعی از اقدامات دولتی در نظام آموزش عالی قرار دارد. این سیاست‌ها شامل تمام اقدامات دولتی، سیاست‌های آموزشی و یا اقتصاد آموزش عالی می‌شوند که تأثیری مستقیم یا غیر مستقیم بر مسکن دانشجویی و زندگی دانشجویان دارند. با این وجود، تعاریف به خودی خود این امر را مشخص نمی‌کنند که چرا مسکن دانشجویی دارای اهمیتی ویژه در مطالعات رفاه دانشجویان است. شاید بتوان برای این امر سه دلیل اصلی بیان کرد. نخست اینکه، مسکن دانشجویی بیانگر حوزه‌ای از رفاه

است که اگر به آن توجه نشود، زندگی دانشجویان با عدم موفقیت رو برو خواهد شد زیرا استعداد آن وجود دارد که بازار اقتدار کامل در این زمینه پیدا کند. بنابراین مطالعه مسکن دانشجویی به ما اجازه می‌دهد که با نقاط قوت و ضعف‌ها در تأمین نیازهای دانشجویان آشنا شویم. دوم اینکه، مسکن دانشجویی حوزه‌ای خاص از علایق است زیرا که ارتباط پیچیده نیازها و نیز چگونگی تعریف آن نیازها را برجسته می‌کند. "داشتن یک سقف بالای سر" در دوره‌ای از زندگی در غربت از خانواده یک جمله بسیار جذاب و ساده می‌نماید اما در تعریف نیازهای مسکن دانشجویان این تعریف ناکافی است. برای تعریف مسکن¹ دانشجویی یا محل سکونت مناسب، باید از مفاهیم کیفیت زندگی²، خودگردانی³ و رفاه بهره‌جوییم. به عبارت دیگر، اگر دانشجویی حتی بالای سرش سقفی هم داشته باشد، اما زندگی وی در محیطی پر ازدحام و توأم با خطرات فرهنگی و بهداشتی بسر شود، لزوماً مجبور نیستیم بپذیریم که وی دارای یک سرپناه و خوابگاه مناسب است. افراد در چنان موقعیت‌هایی می‌توانند حتی به عنوان بی‌خوابگاه هم تعریف شوند. به صورتی مشابه، می‌توان استدلال نمود که دانشجویانی که واقعاً در امورات خوابگاه خود حق دخالت ندارند و یا مشکلات بسیاری دارند بی‌خوابگاه هستند؛ مثلاً، موقعی که کسی نمی‌تواند برخی حقوق سکونت خود را تعیین کند به نحوی که مشکلات آموزشی‌اش رفع شود نمی‌تواند بر موفقیت آموزشی خود مطمئن باشد.⁴

در برخی متون نظری و پژوهشی در مورد مسکن حتی کسانی را که در پانسیون‌ها و خوابگاه‌ها اقامت دارند، به سبب اینکه نمی‌توانند بر فضای محل سکونت خود اعمال حق کنند به عنوان بی‌خانمان محسوب می‌شوند (بلیک مور: 1385). البته باید گفت که استفاده از بی‌خانمانی یا بی‌خوابگاهی تمرکز و توجه به مفهوم کیفیت زندگی دانشجویی است و تعاریف رسمی از بی‌خانمانی تمایل دارد فقط بر مواردی از افراد متمرکز شود که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند و در جاهای نامناسب می‌خوابند.

سومین دلیل برای اینکه مسکن دانشجویی را به عنوان یک حوزه کلیدی در سیاست اجتماعی مربوط به جوانان محسوب کرد این است که مسکن دانشجویی با سایر مقوله‌های رفاهی همانند بهداشت و فرهنگ رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. طبق گفته‌های تاریخ نویسان بهداشت عمومی (به عنوان مثال نک. Mckeown 1979)، تأثیر سیاست مسکن

1. House
2. Quality of life
3. Autonomy

4. چنین تعریفی بر رهیافت از پایین به بالا اشاره دارد.

دانشجویی همراه با سایر بهسازی‌ها در محیط زیست آنان همانند بهبود سیستم فاضلاب‌ها، در بهداشت و امید به زندگی افراد بسیار بیشتر از هر دستاوردی در پزشکی یا خدمات بهداشتی بوده است. با وجود این، شرایط نامناسب مسکن بطور اعم و مسکن دانشجویی بطور اخص هنوز هم تداوم دارد، و تأثیرات عواملی مثل رطوبت در خوابگاه‌ها و مشکل نور و حرارت تا بسیاری از مسائل فرهنگی و قومی بین گروه‌های مختلف دانشجویان از یک طرف و تعامل آن‌ها با مدیریت خوابگاه‌ها از طرف دیگر هنوز مشاهده می‌شوند.

در دسته بندی اجتماعی¹، شاید دانشجویان ساکن در خوابگاه‌ها جزء آن دسته از افراد جامعه باشند که بخش کمی از منابع را برای جلوگیری از نزول کیفیت زندگی شان در اختیار داشته باشند. بنا به دلایلی مشابه، سیاست‌های مسکن خوابگاهی شاید در جهت برجسته کردن و یا کاستن تنش‌های طبقاتی و درآمدی نیز بتواند نقش ایفا کند.²

البته نمی‌توان به آسانی گفت که سیاست‌های مسکن دانشجویی به تنهایی می‌تواند مشکل بهداشت، فرهنگ، سبک‌های دانشجویی، یا محرومیت اجتماعی آن‌ها را حل کند، اما این حقیقت دارد که تصمیمات درباره سیاست‌های مسکن دانشجویی بیش از هر حوزه دیگر بر سیاست اجتماعی جوانان تأثیری مستقیم دارد و در هر حال، می‌تواند بر نابرابری‌های فضایی³ عینی، تأثیر گذارد.

چارچوب نظری: رفاه و کیفیت زندگی دانشجویان

از آنجایی که ابعاد مختلف زندگی خوابگاهی اعم از بهداشت فیزیکی، روانی، روحی، اجتماعی، جسمی و محیطی را به لحاظ نظری و تجربی باید مورد بررسی قرار داد و از دو بعد سطحی و عمیق به شناخت واقعی مشکلات زندگی خوابگاهی پرداخت، مدل کیفیت زندگی می‌تواند تبیین مناسبی از وضع زندگی دانشجویان به دست دهد. به عبارت دیگر ادراک افراد از موقعیتشان در زندگی خوابگاهی در متن فرهنگ و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، در ارتباط با اهداف انتظارات، ارتباطات و نیازهایشان با مدل کیفیت زندگی سنجیده خواهد شد.

1. Social division

2. به عنوان مثال، در سال 2001، در شهرهای شمالی انگلیس همانند دهام و برنلی خوشنوتها و تخریب‌هایی جدی بخاطر سرپناه مشاهده شدند.

3. Spatial inequality

بر این اساس با در نظر گرفتن اهمیت سر پناه در زندگی اجتماعی، فرهنگی، روانی و فیزیکی دانشجویان می‌توان گفت که مفهوم رفاه مادی اعم از نیازهای فرهنگی و رفاه فیزیکی یکی از مفاهیمی است که در قرن معاصر بیش از همیشه اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی را تحت شعاع خود قرار داده‌است. در عین حال، سرپناه و سکونت که در پارادایم رفاه و کیفیت زندگی قرار می‌گیرد بیش از همه از واژه‌ای است که ریشه در تحولات مدرن جامعه بشری دارد. بهمین جهت، در اینجا سعی می‌شود تا پیش‌زمینه‌ها و مشخصه‌های اصلی رفاه و ادعاهای مختلف مرتبط مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا اهمیت رفاه دانشجویان به طور اعم و رفاه خوابگاهی بطور اخص روشن شود. برای این منظور، ابتدا زمینه‌های مفهومی رفاه مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس مفاهیم مرتبط دیگری مانند سیاست اجتماعی، کیفیت زندگی، کیفیت نظام اجتماعی و همچنین رابطه رفاه با مفاهیمی چون عدالت، مساوات، آزادی و حقوق بررسی می‌شود. از آنجا که بررسی مفهومی رفاه با ابعاد مختلف در قلمرو تئوری‌های روانشناختی، اجتماعی و اقتصادی و بسیاری از مفروضات مناقشه‌برانگیز در زمینه اهداف بنیاد سیاسی در چارچوب مکاتب و ایدئولوژی‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، و به تبع آن‌ها با سیاست‌گذاری‌های اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند،

رفاه دانشجویان و مفاهیم مرتبط

مفاهیمی چون توسعه اجتماعی، کیفیت زندگی و رفاه از جمله مفاهیمی هستند که بخاطر تأکید بر انسان بعنوان اساس و محور توسعه دارای فصول مشترکی بسیاری هستند و می‌توانند در مورد دانشجویان بکار بسته شود. در برخی موارد، این مفاهیم با یکدیگر تعریف می‌شوند و در برخی موارد نیز رابطه عام و خاص بین آن‌ها برقرار است. از این‌رو، در بیشتر موارد تفکیک این‌ها از هم مشکل است. از یک برداشت کلی می‌توان گفت که توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرآیند توسعه (بطور اعم و توسعه رفاه دانشجویی بطور اخص است) و بیانگر کیفیت نظام اجتماعی در راستای دستیابی به افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت انسان‌هاست.

کیفیت زندگی

تعاریف مختلفی برای کیفیت زندگی می‌توان ارائه کرد. بویژه آنکه چون بحث نظری حاضر از آنجا نگاشته شده است که بتواند مشکلات فرهنگی و رفاه فیزیکی دانشجویان را مورد هدف قرار دهد بحث کیفیت زندگی اهمیت خاص دارد. ارائه تعریفی جهان‌شمول از کیفیت

زندگی و همین‌طور تعیین شاخص‌های آن کاری بس مشکل است. چرا که علاوه بر شرایط عینی بایستی شرایط ذهنی در نظر گرفته شوند. این عوامل مهم و زمینه‌های فرهنگی آن‌ها دارای اهمیت فراوان بوده است. به تعبیر بالدوین¹ (1994) از یکسو کیفیت زندگی فردی مطرح می‌شود؛ تصویری از چگونگی گذران زندگی فرد و از بعدی کلی‌تر کیفیت موقعیت-های زندگی حول یک عامل را در بر می‌گیرد. این موقعیت‌ها ممکن است به عنوان مثال محیط پیرامونی و فرهنگ در یک جامعه معین را شامل شود.

بعنوان نقطهٔ عزیمت، تعریف عملی یونسکو (1977) مناسب بنظر می‌رسد که کیفیت زندگی، یک مفهوم کلی است که تمام ابعاد زیستی شامل رضایت مادی، نیازهای حیاتی، بعلاوه جنبه‌های انتقالی زندگی نظیر توسعهٔ فردی، خودشناسی و بهداشت اکوسیستم را پوشش می‌دهد.

لیو² (1976) سه رویکرد را در بررسی مفهوم کیفیت زندگی ارائه می‌دهد: 1- ارائه تعاریف مشخص از عناصر تشکیل‌دهنده کیفیت زندگی مانند شادکامی، رضایتمندی، ثروت، سبک زندگی و ... 2- تعریف از طریق بکارگیری انواع مشخصی از شاخص‌های عینی و ذهنی اجتماعی مانند GNP، بهداشت، شاخص رفاه، شاخص آموزشی و ... 3- ارائه تعریف مستقیم بر اساس تعیین متغیرها یا عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زندگی و توجه به زمینه‌ها و شرایطی که در آن، سطح کیفیت زندگی تعیین می‌شود.

در تعریفی دیگر «کیفیت زندگی به میزانی از رضایت یا احساس رفاه مردم مربوط می‌شود که در محیط معینی تجربه می‌شود» (مندزوک 2005: 13). گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (1995) نیز کیفیت زندگی را به عنوان ادراک افراد از موقعیت‌شان در زندگی، در متن نظام‌های فرهنگی و ارزشی که در آن زندگی می‌کنند و در رابطه با اهداف، انتظارات، استانداردها و علایق‌شان تعریف می‌کند. در تعریفی کامل‌تر، از نظر مالمن³ (1977) کیفیت زندگی مفهومی ناظر به افراد است ولی همچون انتظارات از طریق تعامل پویای بین فرد مفروض، جامعه و محل سکونت او تعیین می‌شود.

از منظری دیگر «کیفیت زندگی به عنوان حالتی در نظر گرفته می‌شود که فرد در آن نسبت به خودش، طبیعت و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، احساس آرامش درونی دارد» (دای وان 2000: 315). تستا⁴ و سیمونسون⁵ (1996) نیز کیفیت زندگی را در ابعاد

1. Baldwin

2. Liu

3. Mallman

4. Testa

جسمی، روانی و اجتماعی مورد مطالعه قرار داده‌اند و آن را معطوف به تجارب، اعتقادات، انتظارات و ادراک فرد می‌دانند.

بر اساس این تعاریف کیفیت زندگی عمدتاً به عنوان یک مفهوم ذهنی مبتنی بر ارزش‌ها و تمایلات فردی در ارتباط با میزان رضایتمندی از زندگی در نظر گرفته می‌شود. به بیان دیگر «رضایت از زندگی» به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می‌گیرد آن گونه که عبدی (1378) نشان می‌دهد در این رابطه سه نوع رضایت از زندگی وجود دارد: 1- رضایت ناشی از برخورداری¹ که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات می‌باشد. 2- رضایت ناشی از ارتباط² که معطوف به روابط اجتماعی است و 3- رضایت ناشی از بودن³؛ این که ما که هستیم، در قضاوت ما از کیفیت زندگی مؤثر است. این رضایت به معنادراری زندگی و کنترل بر زندگی خود در مقابل از خود بیگانگی مربوط می‌شود.

علاوه بر بررسی کیفیت زندگی به صورت مفهومی ذهنی، ممکن است این مفهوم به منظور مشاهده اثرات تغییرات و سیاست‌گذاری‌ها و اندازه و اهمیت آن به طور عینی نیز در نظر گرفته شود. به عنوان مثال میلز (1985) نشان می‌دهد که اصطلاح کیفیت زندگی معمولاً یا به عنوان برآوردهای ذهنی رضایتمندی و بهزیستی توصیف می‌شود و یا به عنوان مجموعه‌ای از ستانده‌های⁴ اقتصادی و اجتماعی که توسط افراد یا گروه‌ها بدست آمده است. اما نوع سوم از کیفیت زندگی را می‌توان مورد توجه قرار داد که در آن کیفیت زندگی به عنوان مفهومی عینی و ذهنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نه صرفاً بر ستانده‌های اقتصادی و اجتماعی، بلکه بر دستاوردهای⁵ سیاست‌ها و تأثیری که افراد از آن می‌پذیرند، تمرکز می‌یابد. به عنوان مثال در همایش اسکاپ⁶ (1988) رویکردی رفاهی اتخاذ گردید که کیفیت زندگی را معادل با ریشه‌کنی فقر و بهبود استانداردهای زندگی می‌داند. همچنین در یک چارچوب تحلیل سیستمی، کیفیت زندگی به عنوان یک رهیافت، بر توانمندی افراد برای ارتقاء قابلیت‌هایشان در رفع محدودیت‌ها جهت دستیابی به اهداف سیستماتیک اشاره دارد. در این رویکرد در واقع انسان، محور اصلی توسعه قرار می‌گیرد.

5. Simonson

1. having

2. relating

3. being

4. out puts

5. out comes

6. ESCAP

نظریه پردازانی چون جواناهاج¹ (1994) با تأکید بر خصلت و هویت فردی و اجتماعی انسان و ارزش های فردی و اجتماعی، کیفیت زندگی را به لحاظ فلسفی نتیجه سنتز میان مطلوبیت گرایبی و اگزستانسیالیسم می داند. اما آمارتیا سن² از منظر نقد قاعده «بیشترین فایده برای بیشترین افراد» که اساس نظریه مطلوبیت گرایبی است، کیفیت زندگی را با قابلیت های کارکردی افراد مرتبط می داند و بر این باور است که بدون برخورداری از قابلیت های چون سلامت، روابط اجتماعی، عزت نفس و فعالیت (فعالیت های سیاسی، مداخله و مشارکت در امور، چالش فکری و ذهنی)، انسان نمی تواند از مزایا و منافعی که قاعده مذکور آن ها را بدیهی می شمارد، بهره مند شود.

کوتر³ (1985) نیز کیفیت زندگی را به مثابه رضایت فرد از زندگی و محیط پیرامونی تعریف می کند که نیازها، خواست ها، ترجیحات سبک زندگی و سایر عوامل ملموس و غیرملموس را که بر بهزیستی همه جانبه فرد تأثیر دارند، در بر می گیرد. هنگامی که کیفیت زندگی یک فرد در سطح جامعه در نظر گرفته می شود، این مفهوم با شرایط اجتماعی و محیطی موجود پیوند می خورد؛ شرایطی مانند فعالیت اقتصادی، شرایط اقلیمی و نهادهای فرهنگی.

فرانس⁴ (1996) با بررسی مقالات و مطالعات انجام شده در ارتباط با کیفیت زندگی، به لحاظ مفهومی کاربرد این اصطلاح را در شش حوزه شناسایی و دسته بندی می کند؛ 1- زندگی عادی 2- مطلوبیت اجتماعی 3- شادکامی 4- رضایت از زندگی 5- دستیابی به اهداف شخصی و 6- استعداد های ذاتی (موری 1988: 53).

دیوید فیلیپس⁵ (2006) در تعریفی جامع، کیفیت زندگی را در ابعاد فردی و جمعی مورد بررسی قرار می دهد که در سطح فردی مؤلفه های عینی و ذهنی را شامل می شود. لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواست های اجتماعی شهروندان است و در بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در 1- افزایش رفاه ذهنی شامل لذت جویی، رضایتمندی، هدفداری در زندگی و رشد شخصی، 2- رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی و 3- مشارکت در سطح گسترده ای از فعالیت های اجتماعی مربوط می شود. کیفیت زندگی در بعد جمعی آن بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه ها و جوامعی که در

1. Joanna Hodge

2. Amartya Sen

3. Cutter

4. Ferrans

5. David Phillips

آن زندگی می‌کنند شامل انسجام مدنی، هم‌کوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نودوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تأکید دارد. یعنی در تحلیلی نهایی، کیفیت زندگی به عنوان تعادلی در تأمین و ارضای نیازهای زیست‌شناختی و انسانی و یکپارچه‌سازی مردم در عرصه‌ها و موقعیت‌های اجتماعی‌شان تعریف می‌شود که با تعیین قواعد تجربی نیازهای بشر مرتبط است.

دوب (1377) در رویکردی مشابه و واقع‌بینانه معتقد است که هر پرسشی در مورد کیفیت زندگی، می‌بایستی به نیازهای افراد و ارضای آن‌ها توجه داشته باشد. نکته مهمی که به زعم او مطرح می‌شود این است که افراد بشر دارای تنوع زیادی هستند و خلاقیت‌های فرهنگی و رضایت‌مندی آن‌ها را هرگز نمی‌توان از اهداف و وسایلی را که امکان نظم اجتماعی را فراهم می‌سازد جدا نمود. توجه تام به کیفیت محیط زندگی از اهم موضوعات است، زیرا هم تعیین‌کننده شرایط عینی و هم ارضای ذهنی افراد است. از این‌رو، هر تعریفی از کیفیت زندگی مبتنی بر سه معیار متکی باشد: الف- مسایل فرهنگی؛ ب- مبانی علمی؛ و ج- توجه به بهره‌برداری از محیط زیست و بهبود شرایط محیط زیست. در تحلیل نهایی می‌توان گفت که کیفیت زندگی به عنوان توازن ارضای بیولوژیکی تعریف می‌شود که نیازهای همگانی مردم در جوامع و طبقه‌ای که در آن قرار دارند، مشتق می‌شود.

نیازهای انسانی مفهوم محوری کیفیت زندگی

در تعریف نیازهای انسانی، ماهیت انسان و تفاوت آن با سایر جانداران پست‌تر مهم است. انسان تکامل‌یافته‌ترین نوع جانداران تعریف می‌شود و کمال و سعادت او هم با مفاهیم فرهنگی تحقق می‌یابد. خیلی از نیازهای اساسی انسان از قبیل خواش‌های جنسی، تغذیه، ایجاد سرپناه، و امثالهم با سایر حیوانات مشترک هست، با این حال حتی در این‌ها نیز در خیلی مواقع تشابه دیده نمی‌شود. این عدم تشابه خصوصاً آنجایی که فرهنگ وارد می‌شود، بیشتر نمود پیدا می‌کند و سبب تفاوت‌ها نه تنها با حیوانات بلکه در بین خود انسان‌ها در اجتماعات مختلف می‌شود. ترجیحات، سلیقه‌ها، سبک‌ها و قواعد و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم بر نحوه ارضای این نوع نیازها از مواردی است که تفاوت‌های مذکور را بیشتر تبیین می‌کنند. در تبیین رفتارهای انسانی مقولات مختلفی را بایستی مورد ملاحظه قرار داد که علاوه بر نیازهای اساسی در ارضای انسان‌ها نقش زیادی را ایفاء می‌کنند (دوب 1377: 87).

هرچند در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای تدوین و شناسایی نیازهای انسانی، نیازهای اساسی، حداقل نیازها و امثالهم صورت گرفته که به ظاهر متفاوتند ولی شباهت زیادی باهم دارند. بخاطر اینکه مفهوم روشنفکرانه‌ای از نیازهای بشری را منعکس می‌سازند که متعلق به فرهنگ خاصی نیستند و نیازهای جوامع یا اجتماعات خاص را بطور مشخص بیان نمی‌دارند. بمنظور نیل به یک ارزیابی اجتماعی با توجه به نیازهای انسانی، ساختار نیاز بایستی شامل موارد زیر باشد:

نیازهای حیاتی مانند تهیه غذا، مسکن، پوشاک، شغل سودآور، داروهای علاج بخش و حمایت و حفاظت از زندگی و دارایی.

نیازهای اجتماعی، که مشتمل بر تشویق همبستگی اجتماعی، حل موثر تعارضات و ایجاد سازوکارهای اجماع و اجرای هنجارهای نظم اجتماعی می‌باشد.

نیازهای فیزیکی و فرهنگی، که شامل ایجاد شرایطی برای آزادی فردی و بکارگیری خلاقیت‌ها و فرصت مساوی جهت پیشرفت و توسعه عمومی می‌باشد.

نیازهای رفاهی، شامل کمک منصفانه به افراد ضعیف، از کارافتاده و آسیب‌پذیر.

نیازهای تطبیقی که مستلزم ایجاد مکانیزم‌هایی برای اصلاح محیط اجتماعی، فرهنگی، روانی و فیزیکی.

نیازهای مترقیانه، که شامل دقت در پیش‌بینی مسایل و توانایی حل آنها، رشد علم و تکنولوژی و توسعه مهارت‌های فنی بشری می‌باشد.

نظریه ارزش‌های اساسی عام¹

ارزش‌های عام به این امر توجه دارند که چه چیزی زندگی شخص را برای او ارزشمند می‌کند. اینها ارزش‌هایی‌اند که موجب بهبود کیفیت زندگی هر انسانی می‌شوند و مبتنی بر مفهومی از کیفیت زندگی هستند که بر طبیعت بشر استوار است. این ارزش‌ها این امکان را برای ما فراهم می‌سازند که زندگی خوب چگونه است و چگونه می‌تواند بهتر شود و به دو دسته هسته‌ای و غیرهسته‌ای دسته‌بندی می‌شوند؛ ارزش‌های هسته‌ای که اساس مطلوبیت-گرایی را نیز تشکیل می‌دهند عبارتند از لذت‌جویی و اجتناب از درد که فقدان هر کدام، زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سایر ارزش‌های عام و سنجیده، غیرهسته‌ای

1. prudential values منظور ارزش‌های منطقی و سنجیده‌ای است که عموم مردم بر آن اجماع داشته باشند.

هستند و ارزش‌هایی که به زندگی انسان هدف و جهت می‌دهند، موفقیت و مهارت و ... را شامل می‌شوند. تفاوت این دو دسته از ارزش‌ها هم مهم است و هم مبهم. گریفین¹ (1986) مجموعه این ارزش‌ها را این گونه اولویت‌بندی می‌کند:

الف) مهارت و موفقیت

ب) عناصر خاص وجودی انسان: عاملیت، خودمختاری، آزادی، قابلیت‌های اساسی

ج) شناخت شامل خودشناسی، رهایی از آشفتگی، جهل و خطا و شناخت جهان پیرامون.

د) لذت

ه) روابط عمیق شخصی.

قزلباش² (1998) این ارزش‌ها را به طور روشن‌تری شناسایی می‌کند:

«الف) حداقل سطح غذا، بهداشت، سرپناه و امنیت

ب) سواد

ج) سطح معینی از عزت نفس

د) لذت‌جویی

ر) خودمختاری و آزادی اراده (آزادی مثبت³)

ز) آزادی منفی⁴

ط) شناخت

ه) روابط معین با دیگران و مشارکت در زندگی اجتماعی

ی) موفقیت و مهارت» (نقل در فیلیپس 2006: 76).

مهمترین نقطه قوت این رویکرد، ارائه مناسب ارزش‌های مرتبط با بهزیستی است؛ به بیان دیگر فهرستی از ارزش‌های سنجیده، نمایی کلی از عوامل شکل‌دهنده بهزیستی را به ما نشان می‌دهد. اما آن گونه که فیلیپس (2006) نشان می‌دهد این رویکرد دارای نوعی ناسازگاری و عدم انسجام درونی است که عمدتاً ناشی از متکثر بودن ارزش‌ها و فقدان معیاری روشن برای اولویت‌بندی آن‌ها می‌باشد. در این راستا، قزلباش سه سطح را در رتبه‌بندی ارزش‌های عام و مطلوب مطرح می‌کند؛ ارزش‌های هسته‌ای شامل لذت و اجتناب از درد، روابط شخصی عمیق، عشق و روابط خاص با دیگران که به ارزش‌های هسته‌ای نزدیکند و سایر ارزش‌هایی که فاصله بیشتری از هسته دارند.

1. Griffin
2. Qizilbash
3. positive freedom
4. negative freedom

رویکردهای نیاز محور¹

این رویکرد در حوزه مطالعات توسعه، رفاه و مقولات مرتبط مانند توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی بسیار رایج است و خود طیفی از نظریات را با توجه به نوع نیازها در برمی گیرد. بر خلاف رویکرد ارزش‌های اساس و دوراندیشانه که با ارزش‌های انتزاعی سر و کار دارد، اصولاً رویکردهای نیاز محور با امور واقعی در ارتباطند. به طور کلی می‌توان در ذیل این رویکرد، سه رویکرد متفاوت را شناسایی کرد.

رویکرد نیازهای اساسی

باور اصلی این رویکرد آن است که هر کسی حق برخورداری از یک زندگی مناسب حداقلی را دارد و این هدف می‌بایست نسبت به سایر اهداف اولویت داشته باشد؛ بهره‌مندی از نیازهای اساسی شناخته شده‌ای مانند تغذیه، خدمات بهداشتی، خدمات آموزشی و سرپناه که پیش‌نیازهای سایر جنبه‌های زندگی هستند. این رویکرد بر اساس همین اصل اخلاقی، «یک فلسفه سیاسی را برای جوامع فقیر ارائه می‌دهد که مبتنی بر دخالت دولت در توزیع درآمد و الگوی مناسب مصرف می‌باشد» (استوارت 1996: 64). شاخص‌های آماری در این سطح حداقلی شامل امید به زندگی، سوءتغذیه در میان کودکان و آموزش می‌باشد. به‌زعم گریفین (1986) این رویکرد، رویکرد جامعی نیست و در حالی که رویکرد ارزش‌های عام، همه ابعاد وجودی انسان، از بقا تا ارزش‌های والا را پوشش می‌دهد، رویکرد نیازهای اساسی تنها بر بُعد بقا تأکید دارد. از این‌رو می‌توان این رویکرد را زیرمجموعه رویکرد ارزش‌های عام در نظر گرفت که بیشتر بر کالاها و خدمات متمرکز دارد تا بر روی کیفیت زندگی انسانی. در این رویکرد همچنین تفاوت و تنوع در ویژگی‌های افراد نیز نادیده گرفته می‌شود. این رویکرد برای سنجش رفاه و بهزیستی اولیه در کشورهای با محرومیت بالا قابل استفاده است اما ابزاری تبیینی مناسبی برای بررسی رفاه در کشورهای ثروتمند و یا کشورهای در حال توسعه برخوردار از سطح حداقلی زندگی نیست.

تئوری نیازهای انسانی²

شاخص اصلی در رویکردهای نیازهای اساسی و توسعه انسانی، امید به زندگی است. تئوری نیازهای انسانی دویال³ و گوف⁴ (1991) در ادامه آن رویکردها، سطح بالاتری از تأمین

1. need-based or needs-oriented approaches

2. Theory of Human Needs (THN)

3. Doyal

نیازهاست که از دو امتیاز خاص برخوردار می‌باشد. به لحاظ ایدئولوژیک، دویال و گوف بر این باورند که رابطه اخلاقی محکمی میان ماهیت نیازها و تعهد جوامع برای تأمین آن‌ها وجود دارد یعنی «اگر تأمین نیازهای انسان، پیش‌نیاز مشارکت در زندگی اجتماعی است، معتقدیم که همه افراد دارای حق مسلم ارضاء نیازهایشان هستند و این امر با علاقه دنبال می‌شود زیرا اعضاء گروه‌های اجتماعی وظایفی را بر عهده دارند که بدون برخورداری از سطح مناسبی از تأمین نیازها، قادر به انجام وظایفشان نخواهند بود» (Gough, 1998: 52). به لحاظ تئوریک نیز این رویکرد، چارچوبی را برای نیازهای عینی بدست می‌دهد که دامنه وسیع‌تری از رویکرد ارزش‌های عام دارند.

دویال و گوف، نیازها را به دو نوع اساسی و واسطه‌ای دسته‌بندی می‌کنند. نیازهای اساسی عبارتند از سلامت فیزیکی و خودمختاری در عمل. سلامت فیزیکی حالتی از بهزیستی فیزیکی، روانی و اجتماعی است که در این رویکرد از آن‌ها به عنوان توانایی کارکردهای متناسب با سن یاد می‌شود. خودمختاری در عمل که در رویکرد ارزش‌های عام نیز وجود داشت (البته نه به عنوان یک ارزش هسته‌ای)، به معنای توانایی گزینش آگاهانه در خصوص این که چه کاری و چگونه باید انجام شود، می‌باشد. خودمختاری نیازمند اعتماد به نفس است که این خود بر سه عامل متکی است؛ سلامت روانی، مهارت‌های شخصی و توانایی‌های لازم جهت بکارگیری در حین مشارکت. سلامت فیزیک و خودمختاری نیازهای مکمل یکدیگرند. «بدون وجود استقلال، آزادی انتخاب و تصمیم‌گیری، بشر به طور قابل توجهی از یک نیاز که مانند سلامت جسمی، نیازی اساسی به حساب می‌آید محروم می‌شود. اگر فرد به مثابه یک انسان، توانایی درک و الهامات، خواسته‌ها و اهدافش را نداشته باشد، استفاده از سلامت فیزیکی هیچ ثمری نخواهد داشت» (بلیک مور، 1385: 52). از اینرو تندرستی و خودمختاری نیازهایی هستند که فقدان هر کدام، توان برآورده کردن نیازهای ثانویه را از انسان سلب می‌کند.

آن‌ها فهرستی از یازده نیاز واسطه‌ای را ارائه می‌دهند که هر کدام به نوعی با تأمین یک از دو نیاز اساسی (سلامت فیزیکی و خودمختاری) مرتبط است. این نیازها عبارتند از:

«1- مواد غذایی مغذی و آب سالم 2- مسکن مطمئن 3- محیط کار بدون خطر 4- محیط زیست بدون خطر 5- کنترل زاد و ولد و زایمان سالم 6- مراقبت بهداشتی و درمانی مناسب 7- امنیت در دوران کودکی 8- داشتن روابط معنادار اولیه 9- امنیت فیزیکی 10-

امنیت اقتصادی 11- آموزش مناسب» (دویال و گوک 1991: 158) که شش نیاز اول به سلامتی فیزیکی و پنج نیاز بعدی با نیاز اساسی خودمختاری در عمل مربوط می‌شوند. این رویکرد در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، عملیاتی شده است و به طور کلی رویکرد نیازهای انسانی به عنوان مهمترین و در عین حال قوی‌ترین سازه رفاه در میان رویکردهای مبتنی بر نیازهای اساسی در نظر گرفته می‌شود و از ترکیبی روشن، دقیق و مؤثر برخوردار است و یکی از پایه‌های توسعه مفهومی رفاه به شمار می‌آید.

تحقیق

دانشجویان
بر حسب

خوابگاه	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
دانشگاه تهران	76	24/4	24/4
صنعتی شریف	18	8/5	30/1
مدرس	26	3/8	38/5
تربیت معلم	35	11/2	49/7
الزهراء	72	23/1	72/8
هنر	10	2/3	76
علامه	40	12/8	88/8
خواجه نصیر	35	11/2	100/0
جمع	313	100/0

یافته‌های

توزیع
مورد مطالعه
خوابگاه

بر اساس جدول بالا خوابگاه‌های مورد مطالعه شامل خوابگاه‌های تهران، صنعتی شریف، مدرس، تربیت معلم، الزهراء، هنر، علامه و خواجه نصیر می‌باشد که بیشترین نمونه از خوابگاه‌های دانشگاه‌های تهران و الزهراء بودند.

همچنین میانگین سن دانشجویان مورد مطالعه 23 سال می‌باشد که نشان از جوان بودن دانشجویان دختر مستقر در خوابگاه‌های دانشجویی شهر تهران می‌باشد. کمترین سن 18 و بیشترین سن 30 سال بوده است. به علاوه اکثر پاسخویان مورد مطالعه مجرد بودند به طوری که از مجموع 313 نفر پاسخگویان 88/6 درصد مجرد، و تنها 10/7 درصد متأهل بودند. مطلب دیگر اینکه خوابگاه‌های مورد مطالعه دختران از تنوع قومی خاصی برخوردار بوده است بی شک متناسبات بین دانشجویان از این نظر قابل تأمل و می‌تواند موضوع بررسی تحقیقات دیگر باشد. از لحاظ قومیت، یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که اکثریت با قومیت فارس می‌باشد به طوری که از 313 نفر دانشجویان مورد مطالعه 48/2 درصد قومیت فارس، به ترتیب قومیت آذری با 17/7 درصد، قومیت مازنی و گیلک 9/9 درصد، قومیت کرد 7/3 درصد، قومیت لر 7 درصد و بلوچ نیز با 3/0 درصد در رده‌های بعدی قرار دارند.

توزیع پاسخگویان بر حسب رشته‌های تحصیلی نشان می‌دهد که از مجموع پاسخگویان، گروه علوم انسانی با 0/33 درصد در مرتبه اول، سپس 0/29 درصد گروه فنی، 0/22 درصد گروه علوم پایه و 0/16 درصد گروه هنر می‌باشند.

به لحاظ پایگاه اقتصادی- اجتماعی توزیع پاسخگویان بر حسب این مقوله نشان می‌دهد که حدود 35٪ دانشجویان طبقه اجتماعی بالایی داشته‌اند و 25٪ نیز دارای طبقه اجتماعی پایینی بوده‌اند و در این میان 32٪ از طبقه اجتماعی متوسط برخوردار بودند.

یافته‌های تحلیلی

دسترسی به خدمات

این مقیاس از مجموع نظر دانشجویان به مواردی همچون، دسترسی به بیمارستان و درمانگاه، دسترسی به اورژانس، دسترسی به آتش نشانی، دسترسی به راه‌های خروجی هنگام خطر، دسترسی به آب بهداشتی، دسترسی به حمام بهداشتی و دسترسی به امکانات رفاهی در آشپزخانه تشکیل شده است. بر اساس یافته‌های به دست آمده حدود نیمی از پاسخگویان (2/49) گفته‌اند کیفیت دسترسی به خدمات در حد خوب می‌باشد.

توزیع نظر دانشجویان بر حسب دسترسی به خدمات در خوابگاه

انحراف معیار	میانگین	تعداد	کیفیت دسترسی به خدمات در بین خوابگاهها
0/6	3/7	18	1. شریف
0/6	3/27	76	2. تهران
0/78	3/22	26	3. مدرس
0/66	3	72	4. الزهراء
0/68	3	40	5. علامه
0/56	3	35	6. خواجه نصیر
1/67	2/94	35	7. معلم
0/64	2/99	10	8. هنر
0/66	3/14	313	جمع کل

در یک طیف 1 تا 5 نمره‌ای خوابگاه دانشگاه‌های صنعتی شریف، تهران و مدرس به ترتیب با میانگین‌های 3/7 ، 3/27 و 3/22 از نظر میزان رضایت دانشجویان از کیفیت دسترسی به خدمات بهتر از سایر خوابگاه‌ها بوده‌اند و خوابگاه دانشگاه‌های هنر و معلم دارای کمترین میزان رضایت مندی دانشجویان از این نظر می‌باشد.

وضعیت بهداشت به تفکیک خوابگاه‌ها:

خوابگاه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
شریف	18	3.5000	.85319
تهران	76	2.9638	.69500
هنر	10	2.9167	.60093
خواجه نصیر	35	2.8929	.64820
مدرس	26	2.8782	.82031
الزهراء	72	2.8507	.75926
علامه	40	2.7438	.73921
معلم	35	2.7310	.78071
کل	312	2.8977	.74988

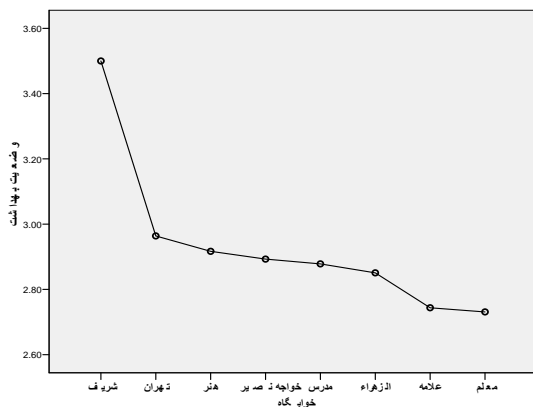
مطابق با اطلاعات به دست آمده می‌توان گفت وضعیت بهداشت در خوابگاه دانشگاه صنعتی شریف بهتر از سایر خوابگاه‌هاست؛ خوابگاه دانشگاه تهران از این لحاظ در رده دوم و خوابگاه تربیت معلم در رده آخر قرار دارد.

جدول اختلاف بین خوابگاه‌ها بر اساس وضعیت بهداشت

متغیر وابسته	گروه‌ها i	گروه‌ها j	اختلاف میانگین (i-j)	معناداری (sig)
وضعیت بهداشت	صنعتی شریف	تهران	.53618	.107
		مدرس	.62179	.107
		معلم	*.76905	.009
		الزهراء	*.64931	.021
		هنر	.58333	.482
		علامه	*.75625	.009
		خواجه نصیر	.60714	.091

بنابر جدول بالا و نتایج بدست آمده خوابگاه‌های دانشگاه صنعتی شریف از نظر وضعیت بهداشت به مراتب از خوابگاه‌های دانشگاه تربیت معلم، الزهراء و علامه وضعیت بهتری

داشته‌اند. به عبارتی دانشجویان دختر دانشگاه صنعتی شریف رضایتمندی بیشتری از وضعیت بهداشتی خوابگاه از جمله: جمع آوری زباله، نظاف فردی دانشجویان نظامت عمومی، دفع زباله داشته‌اند تفاوت مشاهده شده در سطح کمتر از 5 درصد یعنی با 95 درصد اطمینان معنی دار است.

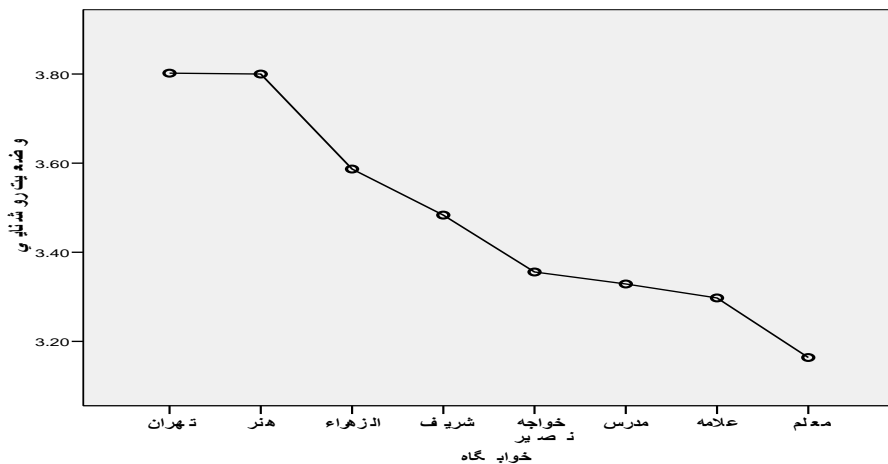


توزیع نظر دانشجویان بر اساس وضعیت بهداشت در خوابگاه

وضعیت کلی روشنایی در خوابگاه‌های مورد مطالعه

دانشجویان خوابگاه‌های مورد مطالعه کیفیت روشنایی در خوابگاه را متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند به طوری که از مجموع 313 نفر پاسخگویان 53/3 درصد روشنایی خوابگاه را در حد خوب، 49/9 درصد در حد متوسط و 18/2 درصد در حد خیلی خوب ارزیابی کردند.

جدول اختلاف بین خوابگاه‌ها بر اساس وضعیت روشنایی



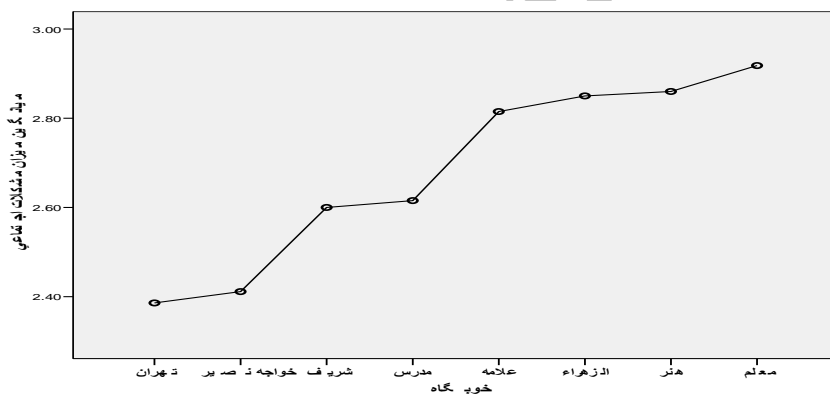
مشکلات و مسائل اجتماعی خوابگاه‌ها به صورت کلی

گویه‌های تشکیل دهنده این مقیاس بدین صورت بود، تنش بین گروه‌های قومی، ناهنجاری‌ها و مسائل اخلاقی، تضادهای قومی، تضادهای زبانی، تضادهای رشته و گروه آموزشی. بر اساس نظر دانشجویان 43/1 درصد از مجموع 313 نفر دانشجویان مورد مطالعه بر این باور بودند که مشکلات اجتماعی به طور متوسط در خوابگاه‌ها وجود دارد، حدود 30 درصد اظهار داشتند که میزان زیاد و خیلی زیاد و 27 درصد نیز گفتند که مسائل و مشکلات اجتماعی نام برده به میزان کم و خیلی کمی در خوابگاه آن‌ها وجود دارد. در ادامه و در مقایسه خوابگاه‌ها با هم مشاهده شد که مشکلات و مسائل اجتماعی در خوابگاه دخترانه دانشگاه تربیت معلم بیشتر از سایر خوابگاه‌هاست (2/91) و خوابگاه دخترانه دانشگاه تهران نیز دارای کمترین میانگین (2/38) مشکلات اجتماعی بوده است.

توزیع پاسخگویان بر حسب مسائل و مشکلات اجتماعی در خوابگاه‌ها

انحراف معیار	میانگین	تعداد	خوابگاه
0.82017	2.3860	75	تهران
0.99410	2.6000	18	شریف
0.94475	2.6154	26	مدرس
0.80409	2.9181	35	معلم
1.05594	2.8500	72	الزهراء
0.97548	2.8600	10	هنر
0.82487	2.8150	40	علامه
0.74824	2.4114	35	خواجه نصير
0.91295	2.6581	311	کل

جدول آنالیز واریانس مشکلات اجتماعی به تفکیک خوابگاه‌ها



مشکلات امنیتی در خوابگاه:

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد امنیت نسبی در خوابگاه‌های مورد مطالعه برقرار است، به طوری که از مجموع 313 نفر پاسخگویان 51/4 درصد گفته‌اند که مشکلات امنیتی در خوابگاه به طور متوسط وجود دارد، از طرفی 27 درصد نیز گفته‌اند که مشکلات امنیتی به میزان کم و خیلی کم در خوابگاه وجود دارد و حدود 21 درصد نیز گفته‌اند که مشکلات امنیتی در خوابگاه به میزان زیاد و خیلی زیاد وجود دارد.

جدول توزیع پاسخگویان بر حسب مسائل و مشکلات امنیتی در خوابگاه‌ها

خوابگاه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
تهران	76	2.3620	.63443
شریف	18	2.6349	.77199
مدرس	26	2.3342	.53986
معلم	35	2.5816	.86692
الزهراء	71	2.6825	.82752
هنر	10	2.4595	.85302
علامه	40	2.7432	.70298
خواجه نصیر	35	2.3346	.64521
کل	311	2.5224	.73909

بر اساس یافته‌های به دست آمده در یک طیف 1 تا 5 نمره ای به نظر می رسد مشکلات و مسائل امنیتی در خوابگاه دخترانه دانشگاه علامه بیشتر از سایر خوابگاه‌هاست (2/74) و خوابگاه دخترانه دانشگاه خواجه نصیر نیز دارای کمترین میانگین (2/33) مشکلات امنیتی بوده است.

وضعیت کلی سلامت و تغذیه

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که از مجموع 313 نفر پاسخگویان 46/6 درصد در حد کم و خیلی کم از وضعیت تغذیه در خوابگاه راضی هستند 40/4 درصد در حد متوسط و تنها 11/9 درصد گفته اند که وضعیت تغذیه در خوابگاه در حد خوب است چنانچه حد متوسط را نیز رضایت پایین از تغذیه در نظر بگیریم آن وقت به این نتیجه می‌رسیم که در حدود 87/1 درصد به طور متوسط و متوسط به پایین از وضعیت تغذیه در خوابگاه راضی هستند. تغذیه سالم و علمی دانشجویان یکی از مسائل حساس و از جمله نیازهای ضروری می باشد.

وضعیت تغذیه به تفکیک خوابگاه‌ها

یافته‌های به دست آمده نشانگر آن است که به طور کلی رضایت دانشجویان خوابگاه‌ها از تغذیه از سطح متوسط به پایین است در این میان دانشجویان دختر خوابگاه دانشگاه خواجه

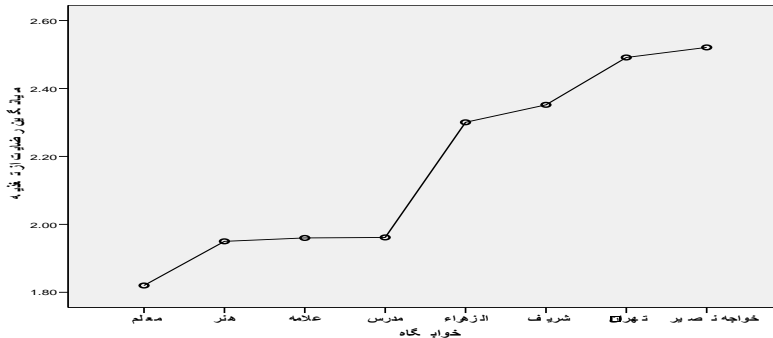
نصیر و دانشگاه تهران به ترتیب با میانگین (2/52) و (2/49) دارای بیشترین رضایت و خوابگاه‌های دانشگاه هنر و علامه با میانگین (1/95) و (1/96) به دارای کمترین رضایت از وضعیت تغذیه در خوابگاه بوده‌اند.

اختلاف بین خوابگاه‌ها بر اساس میزان رضایت از تغذیه

متغیر وابسته	گروه‌ها i	گروه‌ها j	اختلاف میانگین (i-j)
میزان رضایت از تغذیه	تهران	شریف	.13938
		مدرس	*.52969
		معلم	*.67123
		الزهراء	.19075
		هنر	.54123
		علامه	*.53123
		خواجه نصیر	-.02972
خواجه نصیر	خواجه نصیر	تهران	.02972
		شریف	.16910
		مدرس	*.55941
		معلم	*.70095
		الزهراء	.22048
		هنر	.57095
		علامه	*.56095

بنابر جدول فوق و آزمون مقایسه‌های چندگانه، دانشجویان دختر خوابگاه دانشگاه‌های تهران و خواجه نصیر رضایت‌مندی بیشتری از وضع تغذیه و سلامت خود نسبت به خوابگاه دانشگاه‌های تربیت مدرس، تربیت معلم و علامه داشتند. تفاوت مشاهده شده در سطح کمتر از 5 درصد یعنی با 95 درصد اطمینان معنی دار است. بنابراین فرض H_0 رد و فرض خلاف پذیرفته می‌شود و نتیجه می‌گیریم وضع تغذیه و سلامت دانشجویان دختر خوابگاه دانشگاه‌های تهران و خواجه نصیر به مراتب بهتر و مطلوب‌تر از خوابگاه‌های مدرس، تربیت معلم و علامه می‌باشد.

همچنانکه از نمودار زیر بر می‌آید دانشجویان خوابگاه‌های خواجه نصیر و تهران دارای بیشترین رضایت از تغذیه در خوابگاه و دانشجویان خوابگاه دانشگاه تربیت در پایین ترین حد رضایت قرار دارند.



کیفیت محیط خوابگاه

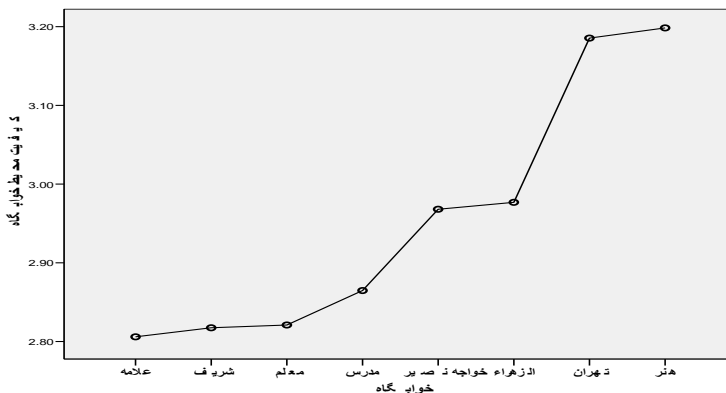
بر اساس یافته‌ها، دانشجویان خوابگاه‌های مورد مطالعه کیفیت محیط خوابگاه خود را متوسط و متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند، به طوری که از مجموع 313 نفر 52/6 درصد دانشجویان کیفیت محیط خوابگاه خود را متوسط و 41/0 درصد زیاد بیان کرده‌اند. همچنین در مقایسه تطبیقی خوابگاه‌ها با هم مشاهده گردید که خوابگاه دانشگاه‌های هنر و تهران دارای بیشترین رضایت (3/19 و 3/18) از کیفیت محیطی خوابگاه و دانشجویان خوابگاه دانشگاه علامه و صنعتی شریف دارای کمترین رضایت (2/8 و 2/81) بودند.

جدول توزیع پاسخگویان بر حسب رضایت از کیفیت محیطی خوابگاه‌ها

خوابگاه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
هنر	9	3.1984	.52705
تهران	75	3.1855	.43741
الزهراء	72	2.9769	.52797
مدرسه	25	2.8648	.52573
خواجه نصیر	35	2.9680	.52959
معلم	35	2.8210	.43914
شریف	18	2.8175	.54959
علامه	40	2.8060	.48972
کل	309	2.9748	.50928

جدول آنالیز واریانس کیفیت محیطی خوابگاه به تفکیک هر یک از خوابگاهها

همچنانکه در نمودار پایین می بینیم میانگین رضایت دانشجویان دختر خوابگاه دانشگاههای تهران و هنر نسبت به خوابگاههای دیگر در بالاترین میزان رضایت مندی و دانشجویان



خوابگاه دانشگاههای علامه ، معلم و شریف در پایین ترین حد قرار دارند.

کیفیت اتاق و فضای مسکونی خوابگاهها

بر اساس پژوهش میدانی و نتایج به دست آمده، دانشجویان به طور متوسط و متوسط به بالا از کیفیت اتاقها و فضای مسکونی خوابگاه خود راضی بودند. حدود 40 درصد دانشجویان به میزان زیاد و خیلی زیادی از کیفیت اتاقها و فضای مسکونی رضایت داشتند

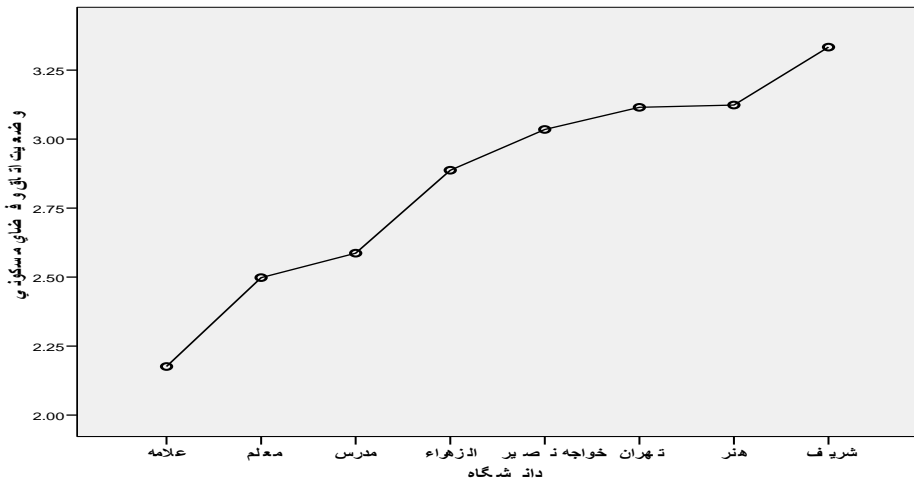
17/2 درصد نیز به میزان کم و خیلی کم و 42 درصد نیز به میزان متوسط. از لحاظ کیفیت اتاق و فضای مسکونی به تفکیک نظر دانشجویان خوابگاه‌ها، دانشجویان خوابگاه دانشگاه‌های تهران، شریف و هنر به ترتیب دارای بیشترین رضایت از کیفیت اتاق‌ها و فضای مسکونی خوابگاه بوده و دانشجویان خوابگاه دانشگاه علامه و معلم دارای کمترین رضایت در این زمینه می‌باشند.

در این قسمت برای مقایسه هر یک از خوابگاه‌ها از نظر کیفیت اتاق‌ها و فضای مسکونی از نظر دانشجویان از آزمون آنالیز واریانس استفاده کردیم.

خوابگاه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
شریف	18	3.3333	.64788
تهران	75	3.1152	.67236
هنر	9	3.1235	.61725
خواجه نصیر	35	3.0349	.56034
الزهراء	72	2.8872	.90257
مدرس	25	2.5867	.64112
معلم	35	2.4980	.77823
علامه	40	2.1760	.60549
کل	309	2.8317	.79055

بنابر اطلاعات آزمون مقایسه‌های چندگانه، دانشجویان دختر خوابگاه‌های دانشگاه تهران و صنعتی شریف از نظر کیفیت اتاق‌ها و فضای مسکونی خوابگاه‌شان رضایت‌مندی بیشتری نسبت به دانشجویان خوابگاه‌های مدرس، معلم و علامه در این زمینه داشتند. تفاوت مشاهده شده در سطح کمتر از 5 درصد یعنی با 95 درصد اطمینان معنی دار است.

همچنانکه در نمودار پایین می بینیم میانگین رضایت دانشجویان دختر خوابگاه دانشگاه های تهران و صنعتی شریف از کیفیت اتاق ها و فضای مسکونی خوابگاه شان نسبت به رضایت دانشجویان در خوابگاه های دیگر در بالاترین میزان رضایت مندی و دانشجویان خوابگاه دانشگاه های علامه ، معلم و مدرس در پایین ترین حد قرار دارند.



بهبودی روانی دانشجویان

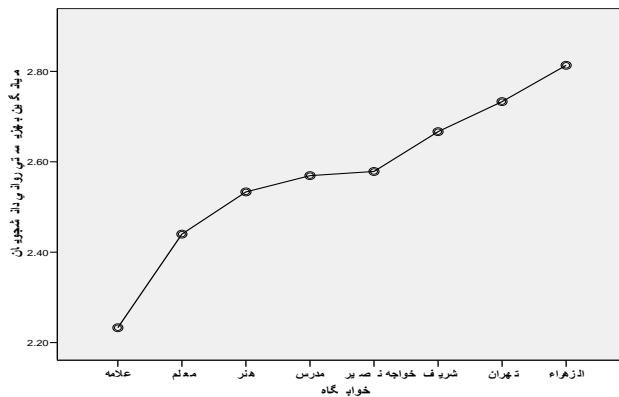
بر اساس داده های به دست آمده بهبودی روانی دانشجویان مورد مطالعه در خوابگاه ها به میزان متوسط به پایین می باشد به طوری که از مجموع 313 نفر پاسخگویان این مطالعه 46/2 درصد بهبودی روانی در حد متوسط و 22/8 درصد دارای بهبودی روانی کم می باشد. این می تواند زنگ خطری برای بسیاری از سیاستگذاران و برنامه ریزان باشد. در مقایسه خوابگاه ها با هم مشاهده شد که دانشجویان خوابگاه های الزهراء و تهران به ترتیب دارای بیشترین میزان بهبودی روانی و دانشجویان خوابگاه های دانشگاه علامه و تربیت معلم دارای کمترین میزان بهبودی روانی می باشند.

توزیع پاسخگویان بر حسب میزان بهبودی روانی

خوابگاه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
الزهراء	72	2.8134	.78966
تهران	76	2.7331	.76474
شریف	18	2.6667	.91280
خواجه نصیر	35	2.5786	.67391
مدرس	25	2.5693	.68129
هنر	9	2.5333	.52334
معلم	35	2.4400	.76367

اختلاف بین خوابگاه‌ها بر اساس بهزیستی روانی دانشجویان

همچنان که از شکل نمودار زیر در پایین بر می آید بهزیستی روانی دانشجویان خوابگاه علامه در پایین‌ترین و دانشجویان الزهراء در بالاترین حد قرار دارد.



بر اساس نتایج بررسی انجام شده در خوابگاه‌های دانشجویی شهر تهران، 13 تا 40 درصد دانشجویان با در نظر گرفتن نوع دانشگاه، شرایط خوابگاه و شرایط اجتماعی شان دچار افسردگی شده‌اند. پدیده مشکلات روانی در بین دانشجویان خوابگاه‌ها با شرایط نامطلوب خوابگاه‌ها و شرایط اجتماعی دانشجویان ارتباطی مستقیم دارد. جدا شدن از خانواده، وارد شدن از یک محیط سنتی و بسته به محیطی با معیارها و سنت‌های شهرنشینی و کمبود امکانات خوابگاه باعث ایجاد استرس و افسردگی شده که پیرو آن در دانشجویان حالت از خود گمگشتگی و از خودبیگانگی ایجاد می‌کند که گاهی برای برطرف کردن آن متأسفانه به استعمال مواد مخدر و سایر ناهنجارها روی می‌آورند. یکی از عمده‌ترین مشکلات خوابگاه‌ها در سطح شهر تهران این است که اغلب این ساختمان‌ها تجاری یا مسکونی بوده و مخصوص

خوابگاه نیستند و در نتیجه امکانات بهینه مانند کتابخانه، ورزشگاه، کامپیوتر و فضای سبز کافی برای دانشجویان فراهم نیست. خوابگاه برای دانشجویان تنها محل خواب می شود و دانشجویی که از خانواده دور است با حضور پیدا کردن در مکان هایی ناشناس به دنبال پرکردن اوقات خود بعد از پایان ساعات دانشگاه است. بنابراین برخورد با افراد نامناسب و دست به رفتارهای ناپهناجر زدن کاملاً محتمل است. نداشتن مکان مناسب برای حمام، حضور چند نفر در یک اتاق و نداشتن محلی برای تعویض لباس و سایر مشکلات در داخل یک اتاق منجر به گسترش ناهنجاری های اجتماعی می شود. به علاوه با بیان اینکه دانشجویان با فرهنگ های مختلفی در کنار هم داخل یک اتاق زندگی می کنند، دانشجویان باید برای وارد شدن به محیط جدید برای زندگی دسته جمعی آموزش های ببینند و از معضلات پیش رو و خطراتی که در اطراف آن ها وجود دارد آگاه شوند، همچنین وجود مراکز مشاوره در خوابگاه ها ضروری است. هم اکنون ارتباط دانشجویان با مسئولان دانشگاه به قدری کم است که دانشجویان در صورت داشتن مشکل از مراجعه به مسولان دانشگاه هراس دارند. در حالی که مسئولان برای جلوگیری از افزایش ناهنجاری ها و مشکلات روحی در بین دانشجویان ساکن در خوابگاه ها باید ارتباط صمیمانه ای با دانشجویان برقرار کنند. دانشجویی که از شهری کوچک به شهری بزرگ مانند تهران می آید، اگر آمادگی هضم تغییرات را نداشته باشد دچار سرگستگی می شود. برخی از این دانشجویان از بسیاری از خط های قرمز عبور می نند و به دلیل احساس گناه و ترس از اعمالشان دچار افسردگی و بیماری های روحی شده و حتی به استعمال مواد مخدر نیز روی می آورند.

شاخص ها	بلی	خیر	شاخص ها	بلی	خیر
1- استراحت	244 78/2	66 21/2	12- رفتن به کوه	79 25/3	231 74/0
2- انجام تکالیف درسی	235 75/3	73 23/4	13- گوش دادن به رادیو	74 23/7	236 75/6
3- دریافت و ارسال پیام کوتاه (SMS)	215 68/9	95 30/4	14- رفتن به سینما	72 23/1	238 76/3
4- گوش دادن به نوار موسیقی	191 61/2	119 38/1	15- تماشای تلویزیون	71 22/8	239 76/6
5- مطالعه آزاد	180 57/7	130 41/7	16- شرکت در سخنرانی های سیاسی - اجتماعی	61 19/6	248 79/5
6- تفکر در مسائل اجتماعی ،	156	154	17- رفتن به مسافرت	54	256

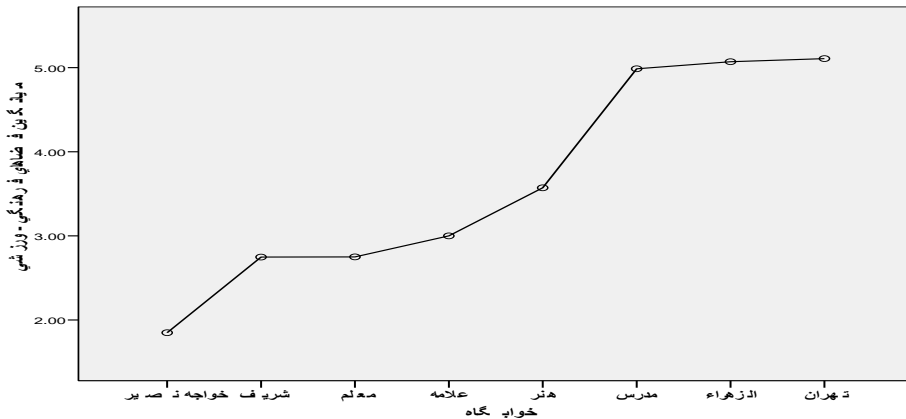
82/1	17/3		59/4	50/0	فردی و درسی
256 82/1	54 17/3	18- شرکت در کلاسهای زبان و کامپیوتر	167 53/5	143 45/8	7- استفاده از اینترنت
263 84/3	47 15/1	19- انجام کارهای هنری	171 54/8	139 44/6	8- قدم زدن در خیابان
263 84/3	47 15/1	20- بازدید از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها	172 55/1	138 44/2	9- رفتن به پارک و مراکز تفریحی
271 86/9	39 12/5	21- بازی با کامپیوتر	171 54/8	138 44/2	10- دیدار خویشاوندان و آشنایان
285 91/3	25 8/0	22- شرکت در انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی	203 656/5	107 34/5	11- بازی و ورزش

همچنان که مشاهده می‌شود، استراحت، انجام تکالیف درسی و دریافت و ارسال پیام کوتاه (SMS) بیشترین فراوانی اوقات فراغت دانشجویان را تشکیل می‌دهند. از آن طرف شرکت در انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، بازی با کامپیوتر، دیدن موزه‌ها و کارهای هنری نیز اموری هستند که در رده‌های پایین اوقات فراغت دانشجویان قرار دارد. به هر حال این نتایج نشان می‌دهد که اوقات فراغت دانشجویان از غنای لازم برخوردار نبوده و دانشجویان از این لحاظ گزینه‌های محدودی پیش روی خود دارند.

اما بنابر ارزیابی دانشجویان، فضاهای عبادتی و مذهبی در خوابگاه‌ها بیشترین (72/1) و فضاهای کمک آموزشی کمترین می‌باشد (15/1). این مسأله می‌تواند نشانگر این باشد که فضاهای مذهبی و عبادتی، به نحوی دیگر فضاهای ضروری حتی فضاهای کمک آموزشی برای دانشجویان را در خوابگاه تحت الشعاع قرار داده است. راجع به وجود فضاهای فرهنگی کافی در خوابگاه از مجموع 313 نفر دانشجویان 77/5 درصد معتقد بودند که این فضاها به اندازه وجود ندارند که این نیز به خوبی گویایی نارضایتی دانشجویان در این زمینه می‌باشد.

وضعیت فضای‌های فرهنگی - ورزشی به تفکیک خوابگاه‌ها:

در این قسمت برای مقایسه هر یک از خوابگاه‌ها از نظر وضعیت فضاهای فرهنگی - ورزشی به هر یک از سؤالات که دانشجویان به آن جواب بله داده بودند نمره‌ای داده شد سپس مجموع نمره سؤالات مثبت هر یک از خوابگاه‌ها در این زمینه وضعیت فضاهای فرهنگی - ورزشی با هم مقایسه شد نتیجه اینکه خوابگاه‌های دخترانه دانشگاه تهران، الزهراء و مدرس از نظر فضاهای فرهنگی - ورزشی با خوابگاه‌های دخترانه دانشگاه شریف، معلم، علامه و خواجه نصیر در سطح 95 درصد اطمینان اختلاف معنادار دارند به طوری فضاهای فرهنگی - ورزشی خوابگاه تهران، الزهراء، و مدرس به مراتب بیشتر از خوابگاه‌های شریف، معلم، علامه و خواجه نصیر می‌باشد. همچنانکه در نمودار پایین می بینیم از نظر میانگین وجود فضاهای فرهنگی - ورزشی در خوابگاه‌های دختران خوابگاه دانشگاه خواجه نصیر در پایین ترین حد و خوابگاه دانشگاه تهران در بالاترین حد قرار دارد



رضایت از مقررات خوابگاه:

بنابر اطلاعات به دست آمده از مجموع 313 نفر دانشجویان دختر خوابگاه‌های تهران 49/7 درصد بر این باور بودند که از مقررات خوابگاه راضی هستند و 39/1 درصد نیز از این مقوله رضایت نداشتند که از این آمار، بیشترین درصد مربوط به دانشجویان خوابگاه الزهراء با 22/5 درصد سپس خوابگاه دخترانه دانشگاه تهران با 20/6 درصد است و خوابگاه

دختران خواجه نصیر از این نظر با 16/8 درصد در مرتبه سوم قرار داشت. از طرفی دیگر از مجموع 122 نفر که معتقد بودند از مقررات خوابگاهی ناراضی‌اند بیشترین میزان نارضایتی مربوط به خوابگاه دخترانه دانشگاه تهران با 23 درصد، الزهراء با 22 درصد و علامه با 20 درصد می‌باشد. تفاوت‌های مشاهده شده بنابر آزمون کای دو در سطح کمتری از 5 درصد معنی دار است.

نتایج بحث‌های گروهی با دانشجویان و مسؤلان نیز نشان داد که محدودیت‌های توهین آمیز، عدم آزادی و محدودیت شدید در ورود و خروج و وجود قوانین و قواعد سخت و بی‌اساس از مهمترین مشکلات خوابگاه‌های دانشجویان دختر در سطح تهران بود که در صدر مشکلات قرار داشت. دانشجویان در پاسخ به این سوال که تا چه اندازه در ورود و خروج به خوابگاه راحت هستید؟ اکثریت آنان اظهار داشتند که با محدودیت و کنترل شدید ورود و خروج به خوابگاه مواجه هستند به طوری که اجازه ورود بعد از ساعت 20:30 شب ملزم به پر کردن برگه تأخیر بوده و چند بار مکرر این کار کشاندن دانشجویان به حراست و کمیته انضباطی است. همچنین یک شب عدم حضور در خوابگاه منجر به تماس با خانواده دانشجویان و سلب اعتماد از خانواده‌هایشان، ارتباط‌های عجولانه و مبتنی بر قضاوت‌های نادرست با خانواده دانشجویان در ساعات نامناسبی از شب یا صبح زود و استفاده از ادبیات نامناسب و توهین آمیز در مکالمه با خانواده‌های دانشجویان از مهمترین مشکلاتی بود که اکثریت دانشجویان به قاطع از آن صحبت می‌کردند.

برخی دیگر به محدودیت‌های غیر رسمی از جمله محدودیت قدم زدن در شب، رفتن به پارک، کوه و طبیعت، سینما و نیز برای تحقیق دانشجویی و انجام تکالیف درسی اشاره کردند و اظهار داشتند که این محدودیت‌ها منجر به پنهان کاری از جانب دانشجویان می‌شود و معتقد بودند که این امر دروغ محسوب نمی‌شود از جمله این که به کوه برویم و بگوییم در پارک بودیم یا بالعکس. تنی چند معتقد بودند که این امر لجبازی است و دروغ نیست. برخی معتقد بودند که این کار تنها راه ممکن برای غلبه بر مشکلات خوابگاه‌هاست و مشکلی ندارد.

برخی دیگر به عدم صدور اجازه خروج در شرایط اضطراری و وجود بورکراسی‌های پیچیده و زمان بر در شرایط اضطراری اشاره داشتند به طوری که شرایط بسیار حساس اگر کاری هم داشته باشی اجازه خروج از خوابگاه مقدور نمی‌باشد و اگر هم مقدور باشد بروکراسی‌های بسیار پیچیده‌ای نیاز دارد که به کلی روحیه دانشجویان را تخریب می‌کند.

اما محدودیت‌های توهین آمیز در ورود و خروج و وجود قوانین و قواعد سخت و بی اساس در رابطه با محدودیت‌های ساختاری خوابگاه، از نظر مسئولین مشکلات ساختاری طبیعی است و وجود دارد و این قانونی است که تنها به خوابگاه‌های دخترانه سطح شهر تهران مربوط نمی‌شود بلکه در کل خوابگاه‌های دخترانه در کشور اجرا می‌گردد. بدین صورت که مسئولین باید کنترل‌های نسبی بر دانشجویان داشته باشند که همین امر باعث نارضایتی برخی از دانشجویان می‌شود. بنابراین قوانین موجود تضادهایی بین مسئولین و دانشجویان ایجاد می‌کند.

آزادی پوشش در خوابگاه:

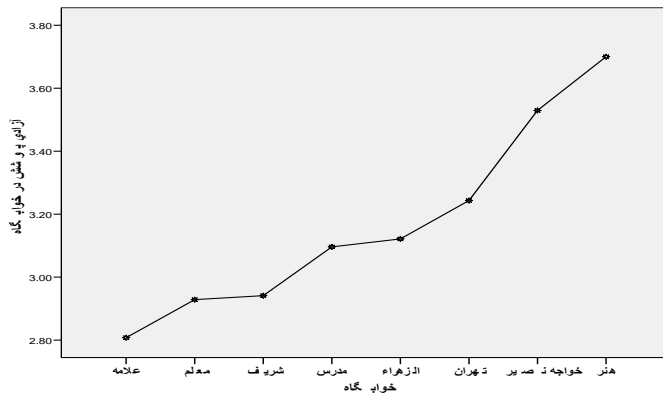
بنابر اطلاعات به دست آمده میزان رضایت دانشجویان از نوع پوشش در خوابگاه به طور متوسط به بالا می‌باشد به طوری که حدود 50 درصد بر این باور بودند که به میزان زیاد و خیلی زیاد در نوع پوشش خود در خوابگاه راضی هستند از طرفی 24/3 درصد نیز به طور متوسط به پایین یعنی در حد کم و خیلی کم و اصلاً در نوع پوشش خود در خوابگاه راضی نیستند. نتایج تطبیقی خوابگاه‌ها با هم نشان داد که از لحاظ آزادی دانشجویان از نظر پوشش در خوابگاه دانشگاه هنر و خواجه نصیر تهران بیشترین و خوابگاه معلم و علامه در پایین ترین حد قرار دارند.

خوابگاه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
هنر	10	3.7000	.58689
خواجه نصیر	34	3.5294	.49146
تهران	74	3.2432	.90373
الزهراء	70	3.1214	.86993
مدرس	26	3.0962	.61675
شريف	17	2.9412	.65865
معلم	35	2.9286	1.03713
علامه	39	2.8077	.95707
کل	305	3.1410	.86305

جدول اختلاف بین خوابگاه‌ها بر اساس آزادی در پوشش

متغیر وابسته	گروه‌ها I	گروه‌ها j	اختلاف میانگین (i-j)
آزادی پوشش در خوابگاه	خواجه نصیر	تهران	.28617
		شریف	.58824
		مدرس	.43326
		معلم	.60084
		الزهراء	.40798
		هنر	-.17059
		علامه	*.72172

بنابر آمار به دست آمده و آزمون مقایسه‌های چندگانه $Dunnnett, s$ ، دانشجویان خوابگاه خواجه نصیر از نظر پوشش در خوابگاه از دانشجویان علامه آزادترند. این تفاوت در سطح کمتر از 5 درصد یعنی با 95 درصد اطمینان معنی دار است. بین سایر خوابگاه‌ها از این نظر اختلاف معناداری وجود ندارد. همچنان که از شکل نمودار زیر در پایین بر می آید آزادی پوشش در خوابگاه دانشجویان در خوابگاه علامه در پایین ترین حد و در خوابگاه دانشگاه هنر در بالاترین حد قرار دارد.



مشکلی که دانشجویان در بحث‌های گروهی به آن اشاره داشتند مزاحمت‌های گاهگاهی و ناگهانی از سوی مسئولین مرد و تأسیساتی بود به نحوی که اکثر شرکت کنندگان در بحث

گروهی اظهار داشتند که هیچ وقت نمی‌توانند راحت در محوطه با لباس خوابگاهی قدم زد و یا نشت. اکثریت آنان استفاده از تعمیرکاران زن را برای خوابگاه پیشنهاد می‌دادند. از طرف دیگر، مزاحمت‌های خیابانی نزدیک خوابگاه توسط آقایان و مزاحمت‌های تلفنی از دیگر مشکلات شایع خوابگاه بود که در بحث‌های گروهی به آن اشاره داشتند. اما در مقابل دانشجویان، در رابطه با مزاحمت‌هایی که گاهی از طرف گروه‌های تأسیساتی خوابگاه‌ها برای دختران ساکن در خوابگاه ایجاد می‌شود، مسؤولین اظهار داشتند که این امر به هیچ وجه مزاحمت نیست بلکه ما به خاطر در اختیار نداشتن متخصصین زن برای این کارها مجبور هستیم از متخصصین مرد استفاده کنیم و این همکاران به ندرت برای دختران ساکن در خوابگاه مشکل ایجاد کرده‌اند و هر وقت این همکاران قصد وارد شدن در یکی از ساختمان‌ها را داشته باشند با هماهنگی‌های و هشدار قبلی وارد می‌شوند. اما در باره با مزاحمت‌های خیابان‌های اطراف خوابگاه، مسؤولین این مشکل را خارج از وظیفه خود عنوان کردند و بیان داشتند که تا جای ممکن ما وظیفه داریم که کل فضای خوابگاه را تحت کنترل خود داشته باشیم در غیر این صورت بروز هر گونه مشکل را ناشی از عدم همکاری و سهل انگاری دانشجویان دانستند.

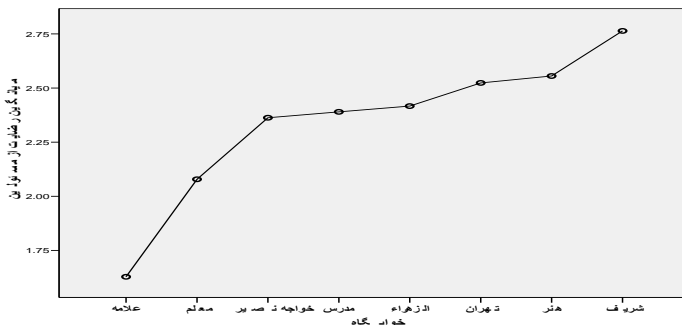
تأثیرات فرهنگی و سبک زندگی خوابگاهی

اکثر قریب به اتفاق دانشجویان معتقدند که محیط خوابگاه تأثیر متوسط به بالایی بر سبک زندگی آن‌ها و تأثیرات فرهنگی دانشجویان بر همدیگر دارد. به طوری که حدود 61 درصد تأثیر خوابگاه را بر سبک زندگیشان به میزان زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. درباره با اثرات آسیبی خوابگاه حدود 36 درصد از دانشجویان دختر بر این باور بودند که زندگی خوابگاهی به میزان زیاد و خیلی زیادی موجب بروز ناهنجاریهای رفتاری و اخلاقی می‌شود، از طرفی 28/4 درصد نیز بیان داشتند که در حد کم و خیلی کم و 35/5 درصد نیز به میزان متوسط آن را اظهار کردند.

خوابگاه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
هنر	10	3.6500	.74722
علامه	40	3.4500	.79097
شریف	18	3.1111	1.05099
مدرس	26	2.9231	1.23038
معلم	35	2.9143	1.28043
تهران	75	2.7800	.97343
الزهراء	72	2.7222	1.03763
خواجه نصیر	34	2.4265	.98575
کل	310	2.8887	1.06414

رضایت از مسئولین

بنابر یافته‌ها 37/2 درصد از دانشجویان به میزان کم و خیلی کمی از مسئولین خوابگاه راضی بودند، 38/2 درصد به میزان متوسط و 22/0 درصد نیز به میزان زیاد. این آمارهای نشان از نارضایتی دانشجویان از مسئولین خوابگاه می باشد لذا زمینه‌های عدم مشارکت و همکاری را نیز در آنان بوجود خواهد آورد. بنابر اطلاعات به دست آمده و آزمون مقایسه‌های چندگانه بین میزان رضایت دانشجویان خوابگاه دانشگاه علامه با دانشجویان خوابگاه دانشگاه تهران، صنعتی شریف و الزهراء در سطح کمتر از 5 درصد و با اطمینان 95 درصد



معنی دار است به طوری که دانشجویان خوابگاه علامه در مقایسه با دانشجویان خوابگاه‌های دانشگاه تهران، صنعتی شریف و الزهراء به مراتب رضایت کمتری از مسئولین داشته‌اند. همچنان که از شکل نمودار بالا می بینیم میزان رضایت دانشجویان خوابگاه علامه از مسئولین در پایین‌ترین حد و رضایت دانشجویان صنعتی شریف در بالاترین حد قرار دارد. نتایج بحث‌های گروهی با دانشجویان در رابطه با عملکرد رفتار و برخورد، همچنین رضایت از مسئولین، نشان داد که دانشجویان رضایت اندکی داشتند به طوری که به برخورد نامناسب و توهین آمیز مسئولین همراه با روحیه نظامی‌گری با دانشجویان اشاره داشتند. برخورد

لفظی با دانشجویانی که با تأخیر به خوابگاه می‌آیند و توهین به شخصیت دانشجویان دیگر مشکلات دانشجویان بود به نحوی که اکثریت آنان اظهار داشتند که دیگر خانواده‌هایشان به آنان اعتماد ندارد. همین امر به کلی به تخریب روحیه روانی دانشجویان منجر گردیده که زندگی نامساعد خوابگاه و مشکلات آن را مضاعف کرده است.

لازم به ذکر است که از نظر مسئولین، مأمورین باید آموزش دیده باشند و همین عدم آموزش است که باعث بروز ناهماهنگی‌هایی بین دانشجویان و مسئولین می‌شود. در حله اول مسئولین وظیفه دارند که با عطف و مهربانی با دانشجویان رفتار کنند و متقابلاً دانشجویان نیز ملزم به همکاری با مسئولین هستند. بروز هر گونه مشکل در این میان ناشی از عدم مشارکت و همکاری این دو با هم است. لذا عدم آموزش مأمورین خوابگاه یکی از مشکلات خوابگاه‌هاست.

در حالی که در بحث‌های گروهی دانشجویان استفاده از مسئولین زن را برای برخی از کارهای داخلی پیشنهاد می‌دادند، اکثریت شرکت‌کنندگان از انتصاب مدیران زنی که بسیار بسته‌تر از آقایان عمل می‌کنند ناراضی بودند. دانشجویان بر این عقیده بودند که خواسته‌های آنان از طریق مسئولین مرد بسیار سریعتر برآورده می‌شود زیرا در طی بارها مراجعه به مسئولین زن در خوابگاه در نهایت برای برآورده شدن آن خواسته باید از مسئولین مرد اجازه بگیرند. آنها همچنین اظهار داشتند که مسئولین زن قدرت تصمیم‌گیری ضعیفی دارند و برای خوابگاهی با این همه مشکلات انتصاب چنین مدیرانی کارآمد نیست.

در این رابطه مسئولین خوابگاه‌ها از اظهار نظر دانشجویان راجع به عملکرد بسته آنان نسبت به آقایان اظهار داشتند که خوابگاه دختران از خوابگاه بستران جداست و این دو خیلی با هم فرق دارند. مسئولیت سرپرستان زن بسیار بیشتر و سخت‌تر است و اگر در میان کوتاهی کنند قادر به کنترل خوابگاه نخواهند بود. به همین خاطر هم اکثرآ کسانی را برای مسئولیت‌پذیری در این خوابگاه‌ها منصوب می‌کنند که روحیه این کارها را داشته باشد و این به معنای عملکرد بسته و فکر عقب‌مانده آنان نیست. به علاوه اینکه کنترل خوابگاه خواهران نیاز به تدابیر شدید امنیتی دارد که آن هم در چارچوب قانون صورت می‌گیرد.

در ادامه بحث گروهی مسئولین توجه به مشکلات دانشجویان را تا حد ممکن از وظایف اصلی خود عنوان کردند و اظهار داشتند که محیط خوابگاه دارای مشکلات اساسی است و آنان به این مشکلات آگاه هستند و تا جای ممکن سعی در حل آنان دارند اما آنان قادر به پاسخگویی به تمام خواسته‌های دانشجویان نخواهند بود. به علاوه اینکه انتظار اکثر دانشجویان از محیط خوابگاه بستگی به طبقه و خاستگاه اقتصادی-اجتماعی دارد که در آن

بزرگ شدند به همین خاطر مسئولین هیچ وقت نمی‌توانند تمام دانشجویان را راضی نگه دارند.

برخورد نامناسب برخی مسئولان با دانشجویان خصوصاً نگرهبانان خوابگاه که هیچ آموزشی در این زمینه ندیده‌اند از جمله مشکلاتی است که دانشجویان در رفت و آمدهای روزانه خود با آن مواجهند و کمتر دانشجویی از این وضعیت گلایه‌مند نیست. کنترل ورود و خروج دانشجویان و تعیین ساعات حضور در خوابگاه، سرشماری دانشجویان هر شب، قوانینی هستند که خصوصاً در مورد دختران سختگیرانه اجرا می‌شود و در حالی که دانشگاه خود را در برابر خانواده دانشجویان مسئول می‌داند، بعضی از این قوانین می‌توانند در زمینه تامین امنیت دانشجویان موثر باشند. اما دخالت‌های زیاد در زندگی خصوصی دانشجویان بخصوص دختران و در پاره‌ای از خوابگاه‌ها و ادار کردن آن‌ها به رعایت حجاب در خوابگاهی که همه دانشجویان و کارکنان آن زن هستند، جز فشار آوردن و سختگیری بر دانشجو چیز دیگری نیست. اجرای این گونه قوانین به گونه بسیار شدید و با سوء مدیریت و با همه کاستی‌هایی که دانشجو در زندگی دانشجویی لمس می‌کند همزمان با بحران‌های دوران جوانی، او را تحت فشارهای شدید روحی و روانی قرار می‌دهد و دانشجو بیشتر احساس می‌کند که در یک محیط بسته زندگی می‌کند.

در رابطه با اولویت بندی مشکلات خوابگاهها، همچنانکه در جدول پایین می بینیم از نظر دانشجویان خوابگاههای مورد مطالعه مهمترین مشکلات در حله اول مشکلات بهداشتی و رفاهی بوده در مرتبه بعد تعداد زیاد دانشجویان در یک اتاق و مشکلات اسکان می باشد و در مرتبه سوم کمبود امکانات علمی و آموزشی و اینترنت می باشد.

همچنان که مشاهده گردید کیفیت دسترسی به خدمات در بین دانشگاهها متفاوت بود. تحلیل دادههای کمی و نگرش دانشجویان به ما نشان داد که بنابر جدول زیر، و نتایج بدست آمده با 95 درصد اطمینان خوابگاههای دخترانه دانشگاه صنعتی شریف از نظر

درصد	فراوانی	اولویت بندی مشکلات خوابگاهها
34/5	108	1- مشکلات بهداشتی و رفاهی
16/93	53	2- تعداد زیاد دانشجو در یک اتاق و مشکلات اسکان
15/0	47	3- کمبود امکانات علمی و آموزشی و اینترنت
8/3	26	4- مقررات رفت و آمد
5/43	17	5- تفریحی ورزشی
1/9	6	6- مشکلات گرمایشی و سرمایشی
3/2	1	7- مشکلات اخلاقی
2/87	9	8- تضاد فرهنگی و برخورد و خشونت
3/2	10	9- عدم آرامش و سرو صدا
2/87	9	10- عدم امنیت
2/23	7	11- قطع آب و برق
3/2	10	12- بی توجهی مسئولین
100/0	313	جمع کل

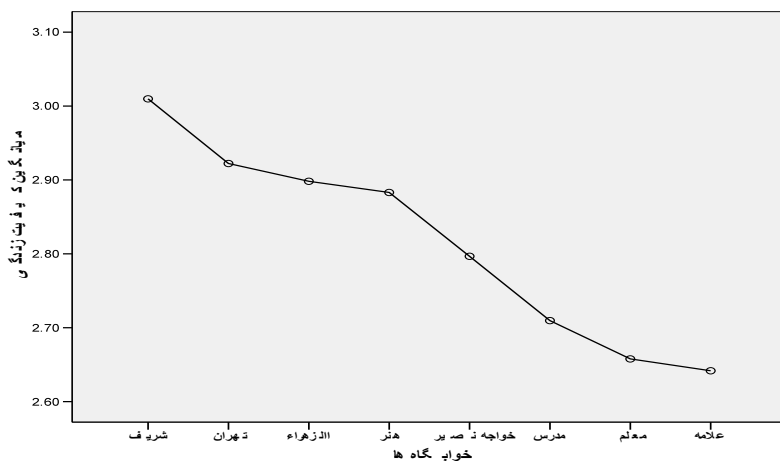
کیفیت دسترسی به خدمات به مراتب از خوابگاههای دخترانه دانشگاه تربیت معلم ، الزهراء ، علامه و خواجه نصیر وضعیت بهتری داشت. به عبارتی دانشجویان دختر دانشگاه صنعتی شریف رضایتمندی بیشتری از دسترسی به خدماتی همچون بیمارستان و درمانگاه ، اورژانس ، آتش نشانی ، آب بهداشتی و دیگر شاخصهای این مقیاس داشتهاند.

اما برای تعیین الگوی کیفیت زندگی در بین خوابگاه‌های دانشجویان دختر در سطح شهر تهران برای مقایسه هر یک از خوابگاه‌ها از نظر کیفیت زندگی از آزمون آنالیز واریانس استفاده می‌کنیم. همچنانکه در نمودار پایین می‌بینیم دانشجویان مورد مطالعه کیفیت زندگی در خوابگاه‌ها را به طور متوسط به بالا تلقی کرده‌اند.

جدول تفاوت خوابگاه‌ها بر اساس میزان رضایت دانشجویان از کیفیت زندگی در خوابگاه‌ها

Sig.	اختلاف میانگین (I-J)	گروه‌ها	دانشگاه
.984	-.08751	شریف	تهران
.172	.21263	مدرس	
.010	.26446(*)	معلم	
1.000	.02409	الزهراء	
1.000	.03916	هنر	
.003	.28048(*)	علامه	
.696	.12561	خواجه نصیر	
.984	.08751	تهران	شریف
.131	.30013	مدرس	
.022	.35196(*)	معلم	
.942	.11160	الزهراء	
.988	.12667	هنر	
.010	.36799(*)	علامه	
.473	.21312	خواجه نصیر	
1.000	-.02409	تهران	الزهراء
.942	-.11160	شریف	
.319	.18854	مدرس	
.032	.24037(*)	معلم	
1.000	.01507	هنر	
.010	.25639(*)	علامه	
.878	.10152	خواجه نصیر	

نمودار میانگین کیفیت زندگی در خوابگاهها



همچنان که شکل نمودار بالا نشان می دهد خوابگاه دانشگاه شریف در بالاترین حد کیفیت زندگی قرار خوابگاه علامه در پایین ترین حد قرار دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این مطالعه ما به مهمترین مسائل و مشکلات خوابگاه های دانشجویان دختر در سطح شهر تهران پرداختیم. هدف پژوهش مزبور کمک به شناسایی و رفع کمبودهای رفاهی موجود در خوابگاه ها برای دانشجویان و ارائه اطلاعاتی در این رابطه به مسئولین ذیربط بود که این امر دانشجویان را از لحاظ فکری و روحی رشد داده و آنان را برای حضور در جامعه بزرگتر و قبول مسئولیت آماده تر می کند. بیان شد که مسکن دانشجویی بیانگر حوزه ای از رفاه است که اگر به آن توجه نشود، زندگی دانشجویان با عدم موفقیت رو برو خواهد شد زیرا استعداد آن وجود دارد که بازار اقتدار کامل در این زمینه پیدا کند. بنابراین مطالعه مسکن دانشجویی به ما اجازه داد که با نقاط قوت و ضعفها در تامین نیازهای دانشجویان آشنا شویم. در این بررسی ما مشکلات خوابگاه ها را بیشتر از دیدگاه کیفیت زندگی مورد بررسی قرار دادیم. دلیل آن این بود که مسکن دانشجویی با سایر مقوله های رفاهی رابطه ای تنگاتنگ دارد.

در کل می‌توان نتیجه گرفت خدمات عرضه شده در خوابگاه‌ها در راستای نیازهای دانشجویان نبوده است بر اساس داده‌های به دست آمده می‌توان گفت که دانشجویان به طور متوسط و متوسط به پایین از خدمات و امکانات خوابگاه راضی بودند. نکته مهم اینکه بهزیستی روانی دانشجویان مورد مطالعه در خوابگاه‌ها به میزان متوسط به پایین بود این می‌تواند زنگ خطری باشد و گویایی بسیاری از ناگفته‌ها که زمینه ساز حوادث و ناامنی‌های خوابگاه باشد. نتایج نشان داد که اوقات فراغت دانشجویان از غنای لازم برخوردار نبوده و دانشجویان از این لحاظ گزینه‌های محدودی پیش روی خود دارند. اکثر قریب به اتفاق دانشجویان معتقدند که محیط خوابگاه تأثیر متوسط به بالایی بر سبک زندگی آنها و تأثیرات فرهنگی دانشجویان بر همدیگر دارد به علاوه حدود 36 درصد از دانشجویان دختر بر این باور بودند که زندگی خوابگاهی به میزان زیاد و خیلی زیادی موجب بروز ناهنجاریهای رفتاری و اخلاقی می‌شود. در رابطه با رضایت از مسؤلین و مشارکت دانشجویان آمارها نشان از نارضایتی دانشجویان از مسؤلین خوابگاه بود لذا زمینه‌های عدم مشارکت و همکاری را نیز در آنان بوجود خواهد آورد. در رابطه با اولویت‌بندی مشکلات خوابگاه‌ها، از نظر دانشجویان خوابگاه‌های مورد مطالعه مهمترین مشکلات در وحله اول مشکلات بهداشتی و رفاهی بوده در مرتبه بعد تعداد زیاد دانشجویان در یک اتاق و مشکلات اسکان می باشد و در مرتبه سوم کمبود امکانات علمی و آموزشی و اینترنت می باشد.

نگرش به کیفیت زندگی در خوابگاه‌های مورد مطالعه به میزان (2/82) می‌باشد که بالاتر از حد متوسط است. از طرفی دانشجویان خوابگاه دانشگاه صنعتی شریف با میانگین (3) بیشترین و دانشجویان خوابگاه دانشگاه علامه با میانگین (2/64) کمترین رضایت از کیفیت زندگی در خوابگاه‌ها را داشته‌اند. بنابر این خوابگاه دانشگاه شریف در بالاترین حد کیفیت زندگی قرار خوابگاه علامه در پایین ترین حد قرار دارد. بر این اساس برای اینکه از فرصت زندگی دانشجویی بتوان بهره برداری صحیحی به عمل آورد، لازم است توسط مسؤلان ذی-ربط برنامه ریزی‌های دقیق و همه جانبه‌ای به عمل آید. در این برنامه ریزی‌ها باید نیازهای فردی و جمعی دانشجویان اعم از مطالعه، بحث، تفریح و استراحت و تغذیه به دقت لحاظ شوند و مشکلات و آسیب‌های ذکر شده در بالا نیز در نظر گرفته شوند. راه اندازی سایت-های خوابگاهی دانشجویی، تجهیز کتابخانه‌ها، برگزاری جشنواره‌های متعدد خوابگاهی مثلاً جشنواره‌های سراسری فرهنگ خوابگاه نشینی و فرهنگ زندگی جمعی و ... در این راستا مؤثر است در غیر این صورت مسائل خوابگاهی و رفاهی دانشجویان به چالش‌های عمده دانشگاه‌ها تبدیل می‌شود.

در کل می‌توانیم نتیجه بگیریم که هر جای زندگی دانشجویی برای خود هزار حرف نگفته دارد. از سرانه خوابگاه دانشجویی که می‌بایست برای هر نفر 14 متر باشد و با یک نگاه گذرا به اتاق‌هایی که به نظر برای دو نفر مناسب است و در آن 6 نفر اسکان داده شده‌اند، متوجه می‌شویم سرانه واقعی بیش از دو تا سه متر نیست، تا سطح پایین بهداشتی خوابگاه‌ها، همگی مشکلات دانشجویی است که به شهر دیگری رفته تا درس بخواند.

باید از طریق آگاهی رسانی و اعتمادسازی بین مسئولان و دانشجویان و تغییر شیوه‌های مرسوم و سنتی کنترل و نظارت در دانشگاه‌ها به شیوه‌های خود کنترلی که از طریق خود دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی انجام می‌گیرد و سهمیم کردن دانشجویان در تصمیم‌گیری برای خودشان از میزان استرس‌ها و فشارهای روحی در محیط خوابگاه و دانشگاه کاست و گرایش دانشجویان به رفتارهای خلاف هنجارها را کنترل کرد و کاهش داد. همچنین با برنامه ریزی در جهت غنی‌سازی اوقات فراغت دانشجویان و افزایش برنامه‌های متنوع به تناسب شرایط اجتماعی و فرهنگی دانشجویان و گسترش مسیرهای مشاوره در خوابگاه و ارائه آن از سطح کلان تا خردترین سطح میزان آسیب‌پذیری دانشجویان را کاهش داد. مشارکت دانشجویان در امور خوابگاه‌ها و دانشگاه، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی متناسب با نیاز دانشجویان، برنامه‌ریزی صحیح برای استفاده از محیط‌های اطراف دانشگاه، می‌تواند تاثیر چشمگیری در به حداقل رسیدن مشکلات ناشی از کمبود امکانات داشته باشد.

منابع:

1. ارجمندنیا، اصغر (1367) طرح مسئله و جایگاه مسکن حداقل؛ در: مسکن حداقل، ویرایش: سید محسن حبیبی و زهرا اهری، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز تحقیقات مسکن.
2. اشرف، احمد (1355)، نگرشی در مفاهیم کیفیت زندگی و شاخص‌های اجتماعی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.

3. اهری، زهرا (1367) ابعاد اجتماعی مسکن، مندرج در: مسکن حداقل، ویرایش: سید محسن حبیبی و زهرا اهری، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز تحقیقات مسکن.
4. اونق، نازمحمد (1384)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
5. بلیک مور، کن (1385)، مقدمه‌ای بر سیاستگذاری اجتماعی، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی جقه، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
6. پرهام، باقر (1356)، زندگی و شهر: تجدید بنا و نوسازی مناطق و شهرها و کیفیت زندگی؛ درس‌هایی از تجدید بنا و نوسازی مناطق زلزله‌زده ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره دوم، شماره 2، ص. 1-21.
7. جغتایی، محمد تقی و همتی، فریده (1380) سیاست اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
8. رفیع‌پور، فرامرز (1384)، تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
9. رفیعی، حسین و مدنی، سعید (1380)، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های توسعه و رفاه اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، (دی‌ماه 1378)، تهران، علمی و فرهنگی، ص. 71-101.
10. ریتزر، جورج (1374)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
11. ساروخانی، باقر (1380)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی؛ اصول و مبانی، جلد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ ششم.
12. سازمان برنامه و بودجه (1349)، ارزشیابی برنامه چهارم رفاه اجتماعی، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
13. سعیدی، علی اصغر (1382) فرهنگ مصرفی : هواهای نفسانی جوانان و زنان در جامعه مصرفی ، نامه پژوهش فرهنگی بهار 1383
14. سعیدی، علی اصغر (1382). تحول مفهوم اوقات فراغت و نظام‌های تولیدی در فصلنامه مطالعات جوانان بهار 1383
15. سعیدی، علی اصغر (1382). جامعه مصرفی و جوانان در فصلنامه مطالعات جوانان، زمستان

16. عبدی، عباس و گودرزی، محسن (1378)، تحولات فرهنگی در ایران، تهران، روش.
17. فاضلی، محمد (1382) مصرف و سبک زندگی، تهران: صبح صادق.
18. فیتز پتریک، تونی (1381)، نظریه رفاه؛ سیاست اجتماعی چیست، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، گام نو و مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
19. قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (1383)، تهران: وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، دفتر حقوقی و قوانین و مقررات.
20. کارشناس، مسعود (1382)، نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، گام نو.
21. کن بلیک مور، مقدمه ای بر سیاستگذاری اجتماعی، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی، انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، 1385.
22. میجلی، جیمز (1378) رفاه اجتماعی در جهان، ترجمه محمد تقی جغتایی، چاپ اول، تهران، انتشارت دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
23. وفایی، جهانگیر (1355)، اقتصاد رفاهی و توسعه اجتماعی، مجموعه مقاله های دومین همایش سمینار ملی رفاه اجتماعی، جلد بیستم، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
24. Baldwin, G. B. (1967), *Planning and development in Iran*, Baltimore, The Johns Hopkins press.
25. Barry, B. (1995) *Justice as Impartiality*, Oxford : Oxford University Press.
26. Bentham, J. (1970), *An introduction to the principles of morals and legislation*, ed. J. H. Burns & H. L. Hart, London, The Athlone press.
27. Berger-Schmitt, R. (2002), *Considering social cohesion in quality of life assessment: concept and measurement*, Social indicators research, Vol. 58, p.p. 403-428.
28. Bloodworth, A. (2006), *Nussbaum's capabilities approach*, Nursing Philosophy, Vol. 7, p.p. 58-60.
29. Bradshaw, J. (1972) *A Taxonomy of Social need*, New Society, (496):640-3.
30. Cutter, S. (1985), *Rating places: A geographer's view on quality of life*, New York, Recourse publications in Geography.
31. Doyal, L. & Gough, I. (1991), *A theory of human need*, Basingstoke, MacMillan.

32. Faber, c. & Miller, D. (2003), Justice and culture: Rawls, Sen, Nussbaum and O'Neill, Political studies review, Vol. 1, p.p. 4-17.
33. Gough, I. (1996) Social Welfare and Competitiveness, New Political Economy, 1(2): 210-32.
34. Hall, A. & Midgley, J. (2004), Social policy for development, London, Sage.
35. Mallman, C. A. (1977), The needs and processes, goals and indicators, paper presented for the GPID project of the United Nations university, Mimeo.
36. Miles, I. (1985), Social indicators for human development, London, Frances pinter.
37. Noll, H. (2004), Social indicators and indicator dystems: tools for social monitoring and reporting, presented in OECD World Forum «statistics, knowledge and policy», Palermo, 10-13 November.
38. Phillips, D. (2006), Quality of life; concept, policy and practice, London, Routledge.
39. Testa, M. & Simonson, D. (1996), Assessment of quality of life outcomes, The new England Journal of medicine, Vol. 334, Iss. 13.
40. UNESCO (1983), Quality of life: problems of assessment and measurement.